

برای مقابله با امپریالیسم آمریکا

تدوین برنامه تحول بنیادی اقتصادی - اجتماعی جامعه نیز ضرورت حیاتی دارد

جوانی پیچیده و مرکب معاصر را نمیتوان بدون برنامه اداره کرد. بویژه پس از یزدی انقلاب اجتماعی، که نوسازی بنیادی همه شئون اجتماع، از اقتصادیات، سیاست، فرهنگ، نیروهای مسلح و غیره در دستور روز قرار میگیرد.

از انقلاب شکوهمند مردم ایران نزدیک یکسال و پنج ماه گذشته است. اما هنوز برنامه و نقشه واحدی برای اداره هم آهنگ امور کشور و پیشرفت مؤسسون جامعه تنظیم نشده است.

ترقی تاریخ جامعه انسانی ملو نیست که خواهناخواه به روند فراگیر تولید مادی و معنوی پیش از پیش جنبه اجتماعی میدهد. حتی در شرایط مالکیت خصوصی - سر...

مایداری بر مسائل عمده تولید، در نتیجه اجتماعی شدن روند کار، ضرورت نظارت جامعه بر تولیدات مادی و معنوی و تنظیم اداره امور طبق نقشه و برنامه پیش از پیش آشکار میشود. اما در این نوع جوامع استماری، اداره امور از روی برنامه و نقشه واحد، در بهترین صورت، از محیط یک موسسه، از چارچوبه یک مجتمع اقتصادی (و بخشهای مختلف اقتصادی و غیراقتصادی)، از حدود یک رشته تولیدی (ساده یا مرکب، یک ملتی یا چندملتی و غیره) نمیتواند خارج شود و به نحوی هم آهنگ و مؤسسون سراسر جامعه، همه شئون آنرا فراگیرد. راهی که در کشورهای پیشرفته سرمایه داری (نزدیک به یک بقیه در صفحه ۲



۷ سال از شهادت رفیق هوشنگ تیزابی گذشت از نفرت آغاز کردم و به ایمان رسیدم...

نفرت از حزب توده میراث پدرم بود، اما ایمان به حزب، نبرد و شهادت و سوسیالیسم را خودم یافتم.



دوره هفتم، سال دوم، شماره ۲۴۸
۵ شنبه ۵ تیر ۱۳۵۹ - تک شماره ۱۵ ریال

لئونید بر ژنف:

در اقدام اتحاد شوروی مبنی به کمک به افغانستان، یک ذره هم غرض و ریا وجود ندارد

در صفحه ۲

امروز: ۱۲ صفحه

احزاب برادر به مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، به حزب توده ایران شادباش میگویند

صفحه ۲

رژیم ضیاءالحق

رژیمی ارتجاعی، دیکتاتوری و دست نشانده امریکاست

صفحات ۱۱ و ۱۰

بسیست و هفتمین سالگرد رزم اعتصابی حقوق طلبانه کارگران کوره پزخانه های تهران گرامی باد

مردم محله اوقافی های گوهر دشت کرج آب ندارند

صفحه ۸



بمناسبت ۵ تیر - روز همبستگی بین المللی با خلق وزندانان سیاسی افریقای جنوبی درود پر شور به خلق قهرمان افریقای جنوبی

صفحه ۱۲

با کارگران باربر تهران

مسائل کارگری - صفحات ۷ و ۶

دخالت برتری جوان چینی در افغانستان

حفاظی درباره افغانستان - صفحه ۵

حزب کمونیست ایران

و جنبش کارگری

صفحه ۳

تظاهر به اسلام، سپر تازه فئودالها

مسائل دهقانی - صفحه ۹

«قاسملو و همفکران» در سراسر اشیب افراد و شکست

«قاسملو و همفکران»، بهمان میزان از «ضد امپریالیست نبودن» طبقه حاکمه مینالند، که امپریالیسم آمریکا ورژیم بعث عراق!

منتشر شده است. اطلاعیه، «درباره خیانت گروه ۷ تفری» نام دارد و تیر اعلامیه چنین است: «تسلیم و فرقه انمازی رهبران حزب توده را در کردستان محکوم میکنیم!» بقیه در صفحه ۱۱

در تاریخ ۲۸ خرداد ماه ۱۳۵۹ اطلاعیه ای با امضای دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران و نیز کمی پیش از آن اطلاعیه ای به تاریخ ۲۵ خرداد ماه ۱۳۵۹ با امضای «حزب دمکرات کردستان ایران - کمیسیون تبلیغات و انتشارات»

اصل ۴۴ قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی بیدرنگ قابل اجراست

میرد که وزارت بازرگانی با سرعت هر چه بیشتر مراکز نامبرده در قانون را ایجاد کند و مسئله واردات و توزیع را هر چه گسترده تر و اختیار گیرد.

در قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، مکرر از سفارش دهندگان کالا نام برده میشود، که باید کالای مورد نیاز خود را از طریق مراکز دولتی سفارش دهند. منظور از سفارش دهندگان چه کسانی هستند اگر منظور قانونگذار همان بازرگان عمده، دلال و واسطه است،

آنها به اندازه کافی گویا نیست و هدف قانون را آشکارا بیان نمیکند. از جمله مواد مثبت قانون جدید، ایجاد مراکز وارد کردن و توزیع کالا و نیز ایجاد موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی است. متأسفانه وزارت بازرگانی اعلام کرده است که فعلاً در صدد ایجاد فقط یک مرکز دولتی واردات فلزات است. بنظر ما عوامل عدیده و از آن جمله هرج و مرج در بازار مرشد و تقاضا و نیز محاسره اقتصادی امپریالیسم و افزایش سریع قیمت ها ایجاب

قانون (ملی شدن بازرگانی خارجی را، که به تصویب شورای انقلاب رسید، میتوان به مثابه گامی به پیش نسبت به قانون انحصار تجارت خارجی دوران طاغوت و در عین حال انحراف از تحقق اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دانست. مورد ملی کردن بازرگانی خارجی، ارزیابی کرد. این قانون را اگر بطور انتزاعی، صرف نظر از تبیین آن با اصل ۴۴ قانون اساسی، مورد بررسی قرار دهیم، دارای مواد مثبت و منفی است. برخی از مواد

ضد انقلاب از چه کسانی در کردستان پشتیبانی می کنند؟

در این تحولات اخیر در حزب دمکرات کردستان ایران و موضع گیری قاطع نیروهای صادق و انقلاب این حزب نسبت به انحرافات جدی بخشی از رهبری، ضد انقلاب نیز موضع خود را در مقابل این تحولات روشن ساخته است. در این زمینه یکی از رادیکال های ضد انقلاب، که ارکان فاشیست ضد انقلاب در خارج کشور است و در رابطه با او ای سی ها، پارتیزانها و هیئتارها، برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران و نابود کردن انقلاب ایران فعالیت میکنند، چنین اظهار نظر کرده است.

«کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، طی اعلامیه ای که با امضای آقای دکتر عبدالرحمن قاسملو، دبیر کل حزب صادر شد، عوامل وابسته به حزب کمونیستی توده و سرسپردگان به مسکورا از حزب اخراج کرد. این گروه کادر نهضت مقدس برادران کرد خسته کرده بودند قصد داشتند با ناجوانمردی از پشت به مبارزان میهن پرست و آزادخواه خنجر زنند و با زیر پا گذاشتن خون مقدس شهیدان کرد با رژیم خونخوار خمینی وارد مذاکره شوند. خوشبختانه هویشاری رزمندگان کرد، پرده از خیانت آنها برداشت و حزب دمکرات کردستان ایران، هم آیین خائنان را رسوا و از حزب اخراج کرد، بنظر نمیرسد توضیح بیشتری لازم باشد»

اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محتکران است

قیمتها به هر روز خطرناکی رسیده است

قبل از ملی شدن، سرمایه دارها قیمت خمیر دندان را گران کردند...

آلمان غربی وارد میشود. خمیر ریش و خمیر دندان داروگر در کارخانه کف، پناه و نیوا در تیشی و خمیر دندان و خمیر ریش های بلنگاس و الداسپایدر کارخانه های بلنگاس و توی تولید میشوند. دو کارخانه کف و تیشی ملی شده اند و دو کارخانه دیگر هنوز ملی نشده اند.

خمیر دندان و خمیر ریش های ایرانی بین ۱۴ تا ۷۱ در صد نسبت به سال گذشته افزایش قیمت داشته اند. خمیر دندان پناه بزرگ که در سال گذشته ۲۶ ریال قیمت داشت، هم اکنون لوله ای ۲۰ ریال بفروشی میرسد. نوع کوچک همین خمیر دندان ۱۴ درصد افزایش قیمت یافته است. خمیر دندان داروگر کوچک هم نسبت به سال گذشته ۵۰ درصد بقیه در صفحه ۲

قیمت خمیر دندان و خمیر ریش هم مانند سایر کالاها سیر صعودی پیچیده است. قیمت این دو کالا نسبت به سال گذشته از ۱۱ تا ۷۱ درصد گرانتر شده است.

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

حزب برادرانه مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، به حزب توده ایران شادباش میگوید

حزب کمونیست بلغارستان

برای سهم بزرگ حزب توده ایران در پیکار دشوار و قهرمانانه مردم ایران در راه سرنگونی دیکتاتوری شاه، کوشش برای اتحاد همه نیروهای مترقی و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ارزش فراوان قائل است.

یام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان به کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای عزیز! مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان به شما و همه اعضای حزبتان صمیمانه و برادرانه، درود میفرستد. کمیته مرکزی بلغارستان، حزب شما را بعنوان پیشاهنگ و گردان آزموه طبقه کارگر ایران میشناسد. آنها برای پیکار حزب کمونیست ایران و وارث شایسته آن، حزب توده ایران، در راه تحکیم جنبش بین-المللی کمونیستی بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتری اوج فراوان قائلند. حزب کمونیست بلغارستان و خلق بلغارستان از پیروهای مردم ایران علیه رژیم ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم شاه

شادمانند و هبستگی خود را با خواستهای حقه آنها برای تحکیم استقلال ملی ایران اعلام میدارند. آنها سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم را در برابر ایران و کوششهای ارتجاع داخلی و خارجی را برای جلوگیری از تحول دیمکراسی در کشورتان شدیداً محکوم می کنند. کمیته مرکزی بلغارستان برای سهم بزرگ شما در پیکار دشوار و قهرمانانه مردم ایران در راه سرنگونی دیکتاتوری شاه، کوشش برای اتحاد همه نیروهای مترقی کشور و پیشرفت اجتماعی و اقتصادی ایران، ارزش فراوان قائل هستند. زنده باد دوستی میان حزب کمونیست بلغارستان و حزب توده ایران! یاننده باد دوستی میان خلقهای بلغارستان و ایران! کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان

سخنان لنوید برژنف...

دولت آن، کمک کردیم تا به تجاوز پاسخ دهد و حملات دارو- دسته‌های راهزن راه، که در درجه اول از خاک پاکستان عمل می-کنند، دفع کنیم و انگشتن و پکن هو و جنجال بیسابقه‌ای راه انداختند. چه اتهاماتی که به اتحاد شوروی وارد نکردند. هم اتهام تلاش برای رساندن خود به آبهای گرم و هم اتهام تصاحب نفت دیگران و امثالهم. درحالیکه موضوع برسر آنتسکه نقشه‌های کشاندن افغانستان به مدار سیاست امپریالیستی و ایجاد خطر برای کشور ما از سمت جنوب با شکست روبرو شد. در اقدام اتحاد شوروی مبنی بر کمک به افغانستان یک ذره هم غرض و ریا وجود ندارد. ما راه دیگری جز التزام قوا نداشتیم، و سیر وقایع نشان داد که این یکنگانه تصمیم صحیح بود که گرفته شد. حالا زندگی در افغانستان بتدریج به روال عادی بازمیگردد. باندهای بزرگ فسادناقلاب منحل شده و مداخله جویان بسا شکست سخت روبرو شده‌اند. در این شرایط ما تصمیم گرفتیم بعضی از واحدهای نظامی خود را از افغانستان خارج کنیم. ما اینکار را بر اساس توافق با دولت افغانستان و با رئیس آن رفیق بزرگ کاملاً انجام میدهم. طبیعی است که ما در آینده نیز به افغانستان در ساختن زندگی نوین و حفظ دستاوردهای انقلاب ماه آوریل کمک خواهیم کرد. صلح در حکم ارزش فوق‌العاده‌ای برای بشریت است. پرچم صلح و همکاری بین ملتها را لتین برافراشت. ما به این پرچم وفادار خواهیم بود. در خاتمه مایلم ابراز اطمینان راسخ بنایم که تهیه مقدمات تشکیل دولت و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی، مجدداً هبستگی صفوف حزب و وحدت خلق بلژیک حزب و ملت را در مبارزه بخاطر پیروزی کمونیسم تجلی خواهد کرد.

در اجلاس پنجم کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، لنوید برژنف، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، در گزارش خود مسائل مهمی را از جمله درباره اوضاع بین‌المللی مطرح کرد که برجسته‌ترین نکات آن به اطلاع خوانندگان گرامی میرسد. لنوید برژنف گفت: مردم شوروی بطور کامل خط مشی صلحجویانه اصولی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی و اقدامات معلوف به دفاع و تأمین امنیت مسین ما را تأیید میکنند. ما در آینده از سرف نیرو دریغ نخواهیم کرد تا تنش‌زدایی و تمام دستاوردهای نیک دهه هفتاد را حفظ کنیم، در جهت خلع سلاح به تحول لازم نائل شویم، از حملتها برای پیشرفت آزاد و مستقل‌پشتیبانی کنیم و صلح را حفظ و مستحکم سازیم. حل و فصل این مسائل کار سهل و ساده‌ای نخواهد بود. امپریالیسم آشکارا این هدف را دنبال میکند که از راه ملتها را نسبت به صلح و حسن‌نیت و عزم راسخ ما و شما رفق را برای پیشرفت در راه تنش‌زدایی و حسن‌هجواری مورد آزمایش قرار دهد. روزی نیست که واشنگتن برای جان پختیدن به چنگ سرد تلاش بکارد نبرد و سوادهای میلیتاریستی را دامن نزند. برای اینکار از هر بیانه موجود و غیرموجود استفاده میشود. نمونه این امر افغانستان است. محافل حاکمه ایالات متحده آمریکا و چین از انجام هیچ کاری ابا ندارند، حتی از تجاوز مسلحانه، تا مانع از آن شوند که انقلابی زندگی نوین خود را بر طبق آرمانهای انقلاب آزادیبخش ماه آوریل سال ۱۹۷۸ بنا کنند. موقی هم که ما به همسایه خودمان افغانستان، بنا بقتضای

قبل از ملی شدن...

افزایش ثبست داشته و از لوله‌ای ۱۰ ریال به ۱۵ ریال رسیده است. خمیر ریش ایرانی هم بین ۱۵ تا ۲۲ درصد گران شده است. برای مثال خمیر ریش ایرانی بلنفاکی از ۴۴ ریال در سال گذشته به ۵۰ ریال در امسال رسیده است. فروشندهگان خمیر دندان و خمیر ریش ایرانی میگویند: «قیمت این کالاها دوست یک هفته قبل از ملی شدن کارخانه‌ها توسط سرمایه‌دارانی که آنها را اداره میکردند بالا رفت.» قیمت خمیر ریش و خمیر دندان خارجی هم، بطوری که در جدول این شماره دیده میشود، نسبت به سال گذشته بین ۱۵ تا ۷۷ درصد افزایش یافته است.

نام کالا	قیمت سال گذشته	قیمت امسال	درصد افزایش
خمیر دندان ایرانی یاهو کوچک	۲۱ ریال	۲۵ ریال	۱۴ درصد
بزرگ	۲۶	۳۰	۱۵/۵
دروگر کوچک	۱۰	۱۵	۵۰
بزرگ	۱۶	۲۲	۳۷
خارجی کرست معمولی	۳۴	۵۵	۲۲
بلنفاکی	۷۰	۱۲۰	۷۱
سانتودین کوچک	۴۵	۶۰	۳۳
خمیر ریش ایرانی داروگر	۱۳	۱۵	۱۵
بزرگ	۱۷	۲۰	۱۱
بلنفاکی معمولی	۲۴	۵۵	۲۲
خارجی کرست	۲۰	۱۱۰	۵۷
سیکنال	۸۰	۱۰۰	۲۸

حزب متحد کارگری لهستان:

پیکار حزب توده ایران برای آزادی ملی، پیشرفت، عدالت اجتماعی و استقلال ملی، تحسین و احترام نیروهای مترقی جهان را برانگیخته است

حزب شما، با موضوع مارکسیستی - لنینیستی و انترناسیونالیسم پروتری خود، پیوسته یکی از مهم‌ترین سنگ‌های جنبه پیکار شما برپایستی بوده است. مبارزه شما علیه امپریالیسم و ارتجاع و در راه صلح، پیشرفت و عدالت اجتماعی از پشتیبانی کامل کمونیست‌های لهستان و توده زحمتکشان کشور ما برخوردار میشود. بار دیگر درودهای حزب ما و زحمتکشان لهستان توده‌ای! بپذیرید، کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان

یام شادباش کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان به کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای گرامی! مناسبت شصتمین سالگرد پایه‌گذاری حزب کمونیست ایران، درودهای برادرانه و بهترین شادباش‌های کمونیست‌ها و زحمتکشان لهستان سوسیالیستی را تقدیم می-داریم. پیکار حزب شما برای آزادی ملی، پیشرفت، عدالت اجتماعی و استقلال ملی، تحسین و احترام نیروهای مترقی جهان را برانگیخته است.

دندان و خمیر ریش سخن گفته‌اند، می‌توان در حرفهای خانم صفرماطی، خانواده ۸ نفره که ۸ نفر هستند، کمتر شود زیرا خریدن خمیر دندان با این قیمت‌ها صرف نمی‌کند»

نظر مردم هم در باره گرانی این دو کالا همان است که درباره کالاهای دیگر بود. جمع‌بندی سخنانشان دوما نظر را، که با خبرنگار نامه مردم» در مورد بالا رفتن قیمت خمیر

برای مقابله...

مجلس شورا شروع بکار میکند، و تنظیم شود. خیلی از نکات باید مسئله تدوین برنامۀ واحد فراگیر برای اداره و پیشبرد همه امور کشور در مرکز توجه واقع شود. جامه‌های که نخراده در آن آزادی و عدالت برقرار باشد و راه ترقی در پیش گیرد. تمهیدات باید بدون برنامه واحد پیش‌رود. این برنامه واحد در بخش‌های مختلف خود باید وظائف نوسازی بنیادی جامعه را از رشد اقتصادیات (کشاورزی، ماسداری، صنایع، بزرگانی، امور مالی و غیره) گرفته تا انقلاب فرهنگی، نوسازی نیرو-های مسلح، پاکسازی ادارات، دولتی و نهادهای انقلابی، همه و همه را هم‌اکنون سازماندهی نماید. باید در بخش درآمدت آپتساز باشد و نظر به اهداف و مقاصد عالی‌تر و دورتری داشته باشد. برای اجرای آن باید برنامه (یا برنامه‌های) کوتاه مدت نیز تهیه

بر وسائل عمده تولید است، هر قدر هم اجتناب شدن روند کار رشته‌های گوناگون اقتصادیات را بوسمت فرآگیرد، مذاکله بازم تدوین و تنظیم برنامه واحدهگانی نمیتواند چه قانون پیشرفت همه جامعه مهبل شود. اما جوامعیکه واقفا نخواهند به راه استثمار سرمایه‌داری بروند، می‌توانند و باید با تنظیم برنامه واحدی اداره و پیشرفت ثنن مختلفه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی کشور را تدریجاً هماهنگ سازند و بسوی هدف یکگانه‌ایکه همانا تقالی همه‌جانبه جامعه است، هدایت کنند. اکنون که علمیرقم همه دسایس، خرابکاریها و جنایات دشمن‌اسملی ما، امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، قانون اساسی کشور تنظیم شده، جمهوری اسلامی ایران استقرار یافته و

حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

همبستگی برادرانه و عمیق خود را با حزب توده ایران، وارث شایسته حزب کمونیست ایران ابراز میداریم، که با پیکار خود در راه استقلال ملی راستین و علیه امپریالیسم و ارتجاع، سنن قهرمان پرورانه حزب کمونیست ایران را ادامه میدهد.

یام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا به کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای گرامی! مناسبت شصتمین سالگرد بنیادگذاری حزب کمونیست ایران، گرمترین شادباش‌های ما را بپذیرید و به انضام خود ابلاغ کنید. ما همچنین مایلم که همبستگی برادرانه و عمیق خود را با حزب توده ایران وارث شایسته حزب کمونیست ایران، ابراز داریم، که با پیکار خود در راه استقلال ملی راستین و علیه امپریالیسم و ارتجاع، سنن قهرمان‌پرورانه حزب کمونیست ایران را ادامه میدهد. انقلاب ایران علیه رژیم آمریکا پرورده شام، یکی از رویدادهای بنیادی دوران ما در امر جهانفصل آزادی ملی و اجتماعی خلقها از یوغ امپریالیسم است. امپریالیست‌های ایالات متحده، برای شکست انقلاب ایران، از هیچ‌گونه تلاشی، حتی تجاوزات نظامی جنایتکارانه، خرابکاری از سوی مأموران میاه، تحریک شوونیسم ضد ایرانی و ایجاد هیستری چنگ، فرو-گذار نمی‌کنند.

ما ضمن اعلام آدامه هبستگی خود با کمونیست‌ها و توده زحمتکشان ایران، پشتیبانی خود را از خواست‌های آنها مبنی بر: استرداد شاه تبه‌کار و محاکمه‌اره، اعتراف محافل امپریالیستی آمریکا، به جنایات خود علیه ایران، آزاد ساختن وجوه ارز ایران، بازگرداندن ثروت بفارترفته مردم، پایان دادن تحریم اقتصادی ایران، خروج نیرو-های نظامی و دریایی ایالات متحده از منطقه خلیج فارس و آغاز مذاکرات برای تبدیل آن بیک منطقه غیراتمی اعلام میداریم. کمونیست‌ها و مردم ایران در مبارزه خود تنها نیستند. وظیفه فخرآفرین ماست که بخشی از جنبش همبستگی مردم سراسر جهان با ایران انقلابی و دمکراتیک‌باشیم. آرزو مندیم که حزب شما هرچه بیشتر در پیکار برای تحکیم دستاوردهای انقلاب، بیروزی اقتصادی، دیمکراسی، پیشرفت اجتماعی و صلح پیروز باشد. یا درودهای برادرانه هنری ویستون صدر حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا گس‌هال، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا

حزب کمونیست پر تغال:

همبستگی کمونیست‌ها و کارگران پر تغال دموکراتیک را با پیکار کمونیست‌ها، طبقه کارگر و نیروهای دمکراتیک و میهن‌دوست ایران در راه پیشبرد خواستهای دمکراتیک، میهن‌دوستانه و ترقیخواهانه توده مردم ابراز میداریم.

گیرید، مایلم که همبستگی کمونیست‌ها و کارگران پر تغال دمکراتیک را با پیکار کمونیست‌ها، طبقه کارگر و نیروهای دمکراتیک و میهن‌دوست ایران در راه پیشبرد خواست‌های دمکراتیک، میهن‌دوستانه و ترقیخواهانه توده مردم ابراز داریم. چه این نیروها بودند، که علمیرقم دسیسه‌های ارتجاع داخلی و نوطه‌ها و تجاوزکاریهای امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، در انقلاب بهمن پیروزی یافتند. ما خواهان پیروزیهای بیشتری برای مبارزه شما هستیم. حزب کمونیست پر تغال خواهد کوشید که هرچه بیشتر، بر پایه مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پروتری، پیوندهای مستی دوستی و بیوستگی میان دو حزب را تحکیم بخشد. کمیته مرکزی حزب کمونیست پر تغال

یام شادباش کمیته مرکزی حزب کمونیست پر تغال به کمیته مرکزی حزب توده ایران رفقای عزیز! مناسبت شصتمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران، درودهای کمونیست‌های پر تغال را به همه اعضای حزب خود ابلاغ کنید. انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران، که به دیکتاتوری غیرانسانی شاه پایان داد، ضررهای بود سهمگین بر پیکر امپریالیسم در ایران و منطقه. این پیروزی همچنین فرآورده پیکار دیرینه و دلارانه کمونیست‌های ایران در شرایط دشوار پنهان کاری و سرکوب دمنشانه است. اینک که شما شصتمین سال حیات و فعالیت کمونیست‌های ایران را جشن می-

بنابست شصتین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ایران (۴) حزب کمونیست ایران و جنبش کارگری

پس از شکست جنبشهای رهایی بخش ملی ضد امپریالیستی (گیلان، آذربایجان و خراسان)، احیای مرکزیت واحد رهبری حزب، یعنی تشکیل کمیته مرکزی واحد و انتقال مرکز فعالیت عملی آن به تهران، حزب کمونیست ایران کوشش خود را در جهت شکل و تقویت جنبش کارگری و سندیکائی (اتحادیه‌ای) در جهت ترویج اندیشه‌های مارکسیسم-لنینیسم در کشور، در جهت پیوند این دو (جنبش کارگری و سوسیالیسم علمی) با هم گسترش داد.

جنبش کارگری و اتحادیه‌ای در ایران، که پس از انقلاب مشروطیت فروکش کرده بود، پس از پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر و اوج جنبش رهایی بخش ملی ضد امپریالیستی در ایران قوت گرفت. بطوریکه از گزارش نماینده کارگران ایران سفتی (عبدالله‌زاده) که گنگره چهارم انترناسیونال اتحادیه‌های کارگری (پروفیتنر) بر-می‌آید، اتحادیه کارگران چاپخانه‌های تهران، که در آستانه انقلاب مشروطیت (در سال ۱۲۸۴) تأسیس شده بود، تا این زمان به فعالیت خود ادامه میداد. اعتصاب ۱۴ روزه‌ایکه این اتحادیه در سال ۱۲۹۷ برای بهبود وضع کارگران، تعیین ۸ ساعت کار روزانه، حق انعقاد قرارداد جمعی مناسب با صاحبکار و غیره اعلام کرده بود، با پیروزی پایان یافت. اما این تعیین ۸ ساعت کار روزانه یک موفقیت استثنائی اتحادیه کارگران چاپخانه بود. بعداً (بهار سال ۱۳۰۳)، که تحت فشار اعتصابات کارگری، وزارت کشور خواست از مدت کار روزانه کارگران صنایع فرش بکاهد و تعطیلات هفتگی، با حفظ دستمزد برای آنها مقرر دارد، با مقاومت شدید کارفرمایان (صاحبان کارخانجات قالباپی کرمان) روبرو شد.

از همان سالهای ۱۲۹۷ - ۱۲۹۸، کارگران دیگر رشته‌های صنعتی و پیشه‌وری نیز شروع به ایجاد اتحادیه‌های خود کردند. در پی آنها (سالهای ۱۲۹۸ - ۱۳۰۰) اصناف بازار و کارمندان دولت نیز دست به تشکیل اتحادیه‌های خود زدند. اسناد موجود از فعالیت در حدود ۱۰ اتحادیه (چاپخانه‌ها، خیازان، کفاشان، خیاطان، قنادها، کارمندان تجارتخانه‌ها، کارمندان پست و تلگراف و غیره) در این دوره حکایت می‌کند.

در سال ۱۲۹۹ اتحادیه‌های کارگری با هم (به استثنای اتحادیه خیازان) شورای مرکزی اتحادیه‌های تهران را (با ۳ نماینده از هر اتحادیه) تشکیل میدهند، که در تاریخ جنبش کارگری و اتحادیه‌های اهمیت بسزائی داشت. همین شورای مرکزی اتحادیه‌هاست، که بعداً توسعه می‌یابد (اتحادیه‌های کارگری دیگر شهرها نیز با او می‌پیوندند) و رسماً به عضویت انترناسیونال اتحادیه‌های کارگری (پروفیتنر) در می‌آید.

از قامیکه در اسناد مختلف آمده است (واغلب با هم اختلافاتی دارند) نشان میدهد که، بطور کلی در دیماه ۱۳۰۰ در تهران (با متجاوز از ۲۰۰ هزار سکنه) ۱۰ اتحادیه با حدود ۱۰ هزار عضو فعالیت میکردند. در تبریز (حدود ۲۰۰ هزار جمعیت) اتحادیه‌های کارگری و صنفی در حدود ۳ هزار عضو داشته‌اند. در رشت (حدود ۴۰ هزار سکنه) اتحادیه‌ها در حدود ۳ هزار عضو داشته‌اند. در انزلی و جومه تنها اتحادیه کارگران ماهیکگیری (جمعا ۷ هزار نفر) دارای ۳ هزار عضو بوده است، که ۳۰ درصد آنها را کارگران روسی تشکیل میدادند. در عین حال کارگران بندر نیز اتحادیه خود را داشته‌اند، که در حدود ۲۰۰ عضو داشته است. در دیگر شهرها نیز تدریجاً اتحادیه‌های کارگری و صنفی بوجود می‌آیند.

طبقه کارگر ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۰۱، اول ماه مهر روز همبستگی بین المللی زحمتکشان را با تظاهرات خیابانی باشکوهی برگزار میکند. ۳ روز پیش از آن، روزنامه «حقیقت» در مقاله خود تحت عنوان «اول ماه ۴»، تاریخچه پیدایش این جشن کارگری را توضیح میدهد و اهمیت اجتماعی و سیاسی آنرا گوشزد می‌کند و سپس می‌نویسد:

«اول ماه مه باید تعطیل بشود. این تعطیل هرچ و مرج نیست. این تعطیل انقلاب هم نیست. این تعطیل است که باید ملت از حکومت با زور حق خود را مسترد دارد.»

در همین مقاله است که روزنامه بزبان ساده سوسیالیسم را توضیح میدهد: «سوسیالیسم طوریکه بعضی تصور میکنند مخرب دنیا نیست، بلکه برای آبادی و آزادی بشر است... سوسیالیسم نمی‌گوید انسان عالم نباشد، انسان مخترع

نباشد، انسان از صنایع مستظرفه برخوردار نشود بلکه سوسیالیسم میخواهد تمام مردم متمسک بشوند... (حقیقت، ۸ ثور - اردیبهشت ۱۳۰۱).
سال بعد (۱۳۰۲) عده اتحادیه‌های کارگری تهران به ۱۵ افزایش می‌یابد. در این فاصله کارگران دخانیات، کارگران نساجی، کارگران شهرداری و دیگران نیز اتحادیه‌های خود را تأسیس میکنند و به شورای مرکزی اتحادیه‌ها می‌پیوندند.

سال بعد (۱۳۰۳) اتحادیه کارگران ماهیکگیری (حدود ۹۰۰ عضو)، اتحادیه کارگران چیت‌سازی (حدود ۲۰۰۰ عضو) اتحادیه کارگران ساختمان (حدود ۵۰۰ عضو) اتحادیه کارگران بندر (حدود ۲۰۰ عضو) تشکیل میشوند، که همه عضو شورای مرکزی اتحادیه‌ها بودند.

جنبش کارگری در آذربایجان ویژگی خود را داشت، که بسیار جالب است. این جنبش از سال ۱۲۹۹ بیشتر با جنبه سیاسی شروع به شکل گرفتن کرده بود. طبق نظامنامه‌ایکه این سازمان برای خود تدوین کرده بود، فقط کسانی میتوانستند عضویت آن درآیند، که از طریق استعمار کار دیگری زندگی نکنند. این سازمان نام «حزب کارگران» را برای خود انتخاب کرده بود. سازمان کارگری آذربایجان توانست موفقیت‌های چشمگیری بدست آورد. از جمله در نتیجه کوشش و پشتکار این سازمان بود که، علیرغم مقاومت سرخانه مالکان مغازه‌ها، ۲۰ درصد کرایه‌ده‌کانه‌ها کاهش داده شد. بعبارت دیگر، اجاره کنندگان رسماً و جدا از دادن کرایه بیشتر خودداری کردند و استنادار نیز نتوانست آنها را مجبور به پرداخت کند. اتحادیه‌های کارگری در شهرهای قم، اصفهان، مشهد، شیراز و غیره نیز بوجود می‌آیند.

در نتیجه سازماندهی و رهبری اتحادیه‌ها، در این دوره جنبش اعتصابی گسترش پیدا میکند. اتحادیه‌های کارگری توانستند اوائل سال ۱۳۰۰ چندین اعتصاب پیروز را سازمان دهند. از آنجمله است اعتصاب کارگران چاپخانه‌های تهران، اعتصاب کارگران نانوایان تهران، اعتصاب کارگران کارخانجات ریسندگی تهران، اعتصاب کارگران بندر انزلی و غیره، که بطور کلی جنبه اقتصادی داشتند.

نهضت اعتصابی رفته رفته کارمندان دولت رانیز فرا میگردد. اتحادیه‌های کارمندان دولت نیز نقش سازماندهی اعتصابات را به عهده می‌گیرند. از این نوع اعتصابات، بویژه از دو اعتصاب، که در آن دوره نقش موثری در جو سیاسی کشور ایفا کردند، یاد می‌کنیم:

یکی اعتصاب کارمندان پست و تلگراف تهران بود. با اینکه فعالیت اتحادیه‌های کارگران از جانب دولت شناخته شده بود، معذالک مستشار سوئدی (هولیتور) که مدیریت پست و تلگراف را به عهده داشت، ابتدا دستور انحلال اتحادیه کارمندان اداره تلگراف را داد و سپس کوشید تا اتحادیه کارمندان پست را نیز منحل کند. لیکن اتحادیه‌ها سخت مقاومت کردند. اتحادیه پستچیان گروهی برای افزایش این عاقل امپریالیسم چاپ و منتشر کرد و برکناری او را از کار خواستار شد. هنگامیکه مسئله در مجلس مطرح شد، دولت به طرفداری از مستشار سوئدی پرداخت و سپس طی تصویب نامهای، شرکت کارمندان دولت در اتحادیه‌ها را بکلی ممنوع اعلام کرد. این عمل دولت، خشم و هیجان همگانی توده‌های مردم را برانگیخت.

در همین هنگام اعتصاب دیگری در حال اوج بود و آن اعتصاب معلمین (دیماه ۱۳۰۱) بود، که از سوی اتحادیه معلمین اعلام گردید. اعتصاب به علامت اعتراض به تویق حقوق معلمین (شش ماه بود که دولت حقوق آنها را نپرداخته بود) شروع شد. امارفته رفته جنبه یک نمایش اعتراض سیاسی علیه دولت را بخود گرفت. اعتصاب ۲۱ روز بطول انجامید و به تظاهرات خیابانی منجر شد. عده زیادی از دانش آموزان نیز در تظاهرات خیابانی به همراه معلمین

شرکت کردند. جوانان نقش فعالی ایفا کردند. هر دو این اعتصابات، که جنبه آشکار اعتراض سیاسی علیه امپریالیسم و دولت دست‌نشانده آن را داشت، به سقوط حکومت متزلزل قوام کمک کرد و مشیرالدوله بجای او مامور تشکیل کابینه شد.

در سالهای بعد (۱۳۰۲ - ۱۳۰۳) جنبش اعتصابی بتدریج وسعت و قوت گرفت. یکی از اعتصاب‌های مهم این دوره اعتصاب کارگران چیت‌سازی تهران است، که همه اعضای اتحادیه (۲ هزار نفر) در آن شرکت کردند. اعتصاب پس از هفت روز با پیروزی کارگران (از دیدار دستمزد) پایان یافت. کارگران چاپخانه مجلس نیز برای ازدیاد دستمزد اعتصاب کردند، که با موفقیت خاتمه یافت.

یکی دیگر از اعتصاب‌های این دوره، که بویژه باید از آن نام برد، اعتصاب کارگران چاپخانه‌های تهران است. اتحادیه کارگران چاپخانه‌ها، که از پیشگامان جنبش اتحادیه‌ای و اعتصابی در ایران بود، این بار نیز رشد آگاهی سیاسی خود را بروز داد و هنگامیکه دولت چاپ عده‌ای از روزنامه‌ها را قلعین کرد، این اتحادیه اعلام اعتصاب کرد. شرکت فعال کارگران در اعتصاب اعلام شده و پافشاری و پیگیری اتحادیه کارگری، دولت را وادار کرد که انتشار مجدد روزنامه‌های توقیف شده را اجازت دهد. پس از برقراری دیکتاتوری رضا شاه (۱۳۰۴) حملات نیروهای ارتجاعی علیه جنبش کارگری و اتحادیه‌های شدیدتر گردید. عضویت کارمندان دولت در اتحادیه‌ها ممنوع شد.

پایتز ۱۳۰۴ شورای مرکزی اتحادیه‌ها (بهنگام انتخابات مجلس) از طرف دولت غیر قانونی اعلام شد و منحل گردید. شورای مرکزی مجبور به ادامه کار در شرایط مخفی گردید. اما اتحادیه‌های کارگری به فعالیت خود ادامه دادند و حتی اتحادیه‌های جدیدی نیز تأسیس گردید. در اسناد سال ۱۳۰۷، بویژه از ادامه فعالیت اتحادیه‌های کارگران چاپخانه‌ها، کارگران داروسازی، کارگران قورخانه (اسلحه سازی)، کارگران چیت‌سازی، کارگران کفاش، کارمندان پست، تلگراف و تلفن، اتحادیه معلمین و غیره نام برده شده است. در این اسناد عده کل کارگران صنعتی ایران صد هزار ذکر شده است، که ۵۰ هزار آن را کارگران نفت جنوب تشکیل می‌دادند. لیکن قسمت اعظم این کارگران هنوز سازمان داده نشده بودند. بویژه وضع کارگران صنایع نفت، که زیرستم دوجانبه امپریالیسم انگلیس و ارتجاع ایران قرار داشتند، بسیار سخت و طاقت فرسا بود. آنها بدشواری توانستند بوند انجمنی برای خود تشکیل دهند. شرکتهای تعاونی آنها سخت زیر کنترل مقامات انگلیسی شرکت نفت قرار داشت. اتحادیه کارگران صنایع نفت، که بکمد مستقیم کوشندگان حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۰۴ تشکیل شده بود، چندان فعالیتی از خود نشان نداد. از این رو حزب در سال ۱۳۰۶ تصمیم به تشکیل سازمان مخفی کارگران نفت جنوب می‌گیرد و در این کار موفق میشود. از جانب این سازمان برای برگزاری کنفرانس اتحادیه‌های کارگری اقداماتی صورت می‌گیرد و بیانیه‌هایی منتشر میشود. اواخر سال ۱۳۰۶، کنفرانس با شرکت ۲۰۰ نفر نماینده تشکیل میشود. از تصمیمات مهم کنفرانس بویژه تصمیم به مبارزه علیه نفاق فکری و دان‌زنی به اختلافات ملی، که از جانب مقامات انگلیسی شرکت نفت صورت میگرفت، تصمیم به تأسیس کلوب کارگری، تشکیل جمعیت تعاونی، مبارزه علیه جریبه و غیره را باید نام برد.

تصمیمات گنگره دوم حزب کمونیست ایران (۱۳۰۶) در اعلامی جنبش کارگری و اتحادیه‌های در همه کشور، بویژه در صنایع نفت جنوب تأثیر چشمگیری میکند. در اینجا بخشی از کتاب رفیق فقید عبدالصمد کامبخش را در این باره عیناً نقل می‌کنیم: «در آخر ژانویه ۱۹۲۹ (۱۳۰۷) در اثر اقدامات کمیته ایالتی حزب، کنفرانس دوم اتحادیه‌های کارگران نفت جنوب تشکیل شد. عده اعضای

اتحادیه را در این زمان مجله «ستاره سرخ» ۳ هزار نفر می‌نویسد. کنفرانس علاوه بر تصمیمات سازمانی (بسط سازمان اتحادیه و غیره) یک رشته تصمیمات سیاسی گرفت: تقاضای تجدید نظر در امتیاز نفت جنوب، حاضر شدن برای اعتصاب در اول ماه مه و غیره. کمپانی که از جریان مطلع گشت، در تاریخ ۲۹ آوریل (۹ اردیبهشت ۱۳۰۸) شبانه ۹۳ نفر از فعالین و کارگران عضو اتحادیه را توقیف کرد و به این طریق اعتصاب را در روز اول ماه مه منجمد نگارند. ولی کارگران تصمیم خود را چندروز بعد اجرا کردند. روزنامه «ستاره سرخ» جریان این نخستین اعتصاب بزرگ کارگران ایران را چنین شرح میدهد: «روز ۴ ماهه ۱۹۲۹ (۱۴ اردیبهشت ۱۳۰۸) ساعت ۸ صبح اعتصاب شروع شد. دستجات پلیس، که در محل واقعه آماده بودند، بعلت کمی، جرئت حمله به کارگران را نمودند. کمپانی زورق‌های موتور خود را برای حمل قشون از بندر و شهرهای دیگر بکار انداختند. کارگران آمدن قشون را با خواندن سرودهای انقلابی و فریاد محبوبه کمپانی انگلیس و ایران، محو بساد عمل امپریالیسم، محو باد امپریالیسم انگلیس تلقسی کردند. پاساژان و سربازان با شمشیر و قمه‌های برهنه بکارگران حمله و کارگران با سنگ و چوب مقاومت کردند. در نتیجه ۴۰ نفر کارگر و ۳۵ نفر پلیس زخمی شدند... از ده هزار نفر کارگر (عضو اتحادیه) ۹ هزار کارگر در اعتصاب شرکت کردند. عملیات معدن بکلی فلج و دکا کین هم‌بسته و کارگران بیکار بصف اعتصابیون پیوستند و جمعیتی قریب ۴۰ هزار نفر کارگر و کسبه در برابر قشون و پلیس ترتیب دادند... در همین روز در مسجد سلیمان و نواحی نزدیک دیگر نیز اعتصاب شروع شد...»

هزاره سخت کارگران ۳ روز ادامه داشت، ۳۰۰ نفر از کارگران بازداشت و زندانی شدند. تقاضاهای کارگران در این اعتصاب شرح زیر بود: - بالابردن دستمزد تا ۱۵ درصد، - برسمیت شناختن اتحادیه کارگری، - برسمیت شناختن عید اول ماه مه، - دخالت دادن نمایندگان کارگران در موارد اخراج و قبول کارگر، - هفت ساعت کار برای جوانان کمتر از ۱۸ سال و غیره...

اعتصاب کارگران نفت جنوب، با وجود اینکه شکست خورد، و واقعه بزرگی بود که اهمیت نیروی متشکل کارگری را برای نخستین بار نشان داد. مجله «ستاره سرخ» می‌نویسد: «این اولین نمایش است که از حیث عظمت و تجمع افراد صورت یک اعتصاب کارگری را بخود گرفته است. پیشنهادهای کارگران... بخوبی مدلل میدارد که کارگران جنوب تا چه حد بختی خود آگاه شده‌اند.» (عبدالصمد کامبخش، شمسه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری ایران، انتشارات حزب توده ایران، ۱۳۵۸، صفحه ۳۶)

با وجود شکست این اعتصاب و سرکوب خونین تظاهرات، جنبش کارگری و اتحادیه‌ای ایران متوقف نشد. در سال ۱۳۱۰ کارگران کارخانه وطن اصفهان، که یکی از بزرگترین کارخانه‌های آن زمان بود، دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب بوسیله سازمان مخفی، برهبری نصرالله اصلانی کارمن تدارک دیده شده بود. کارگران ابتدا کنفرانس تشکیل داده تصمیم به اعتصاب همگانی گرفتند. قوت و وسعت جنبش اعتصابی دستگاه حاکمه ارتجاعی را مجبور کرد تا برای فرو نشاندن اعتصاب، صاحبان کارخانه را وادار به پذیرش بعضی از خواسته‌های کارگران سازد. در نتیجه این اعتصاب ۴ درصد به دستمزد کارگران افزوده شد، ۱۲ ساعت کار روزانه به ۹ ساعت کاهش یافت و عمل تحقیرآمیز تقشیش جنبش کارگری و اتحادیه‌ای ایران گریه پس از گذراندن قانون سیاه ضد کمونیستی بوسیله دولت رضا شاه از مجلس ایران (۱۰ خرداد ۱۳۱۰) و تشدید زور و تنذیق علیه نیروهای مترقی و دمکراتیک، تا رشدش کند. با احیای مرکز فعالیت حزب کمونیست ایران بوسیله دکتر تقی ارانی و هم‌زمانش در تهران (سال ۱۳۱۳) جنبش اعتصابی بویژه میان جوانان و دانشجویان قوت گرفت. همه روند تشکیل اتحادیه‌های کارگری در ایران، رشد و گسترش جنبش کارگری و اتحادیه‌ای، برگزاری اعتصابات مختلف و اعتلای نهضت اعتصابی، از مراحل ابتدائی پاماهیت محدود اقتصادی به مراحل ایلتریا جنبه وسیع‌تر سیاسی، با ابتکار و شرکت مستقیم و فعال کمونیست‌های ایران، در سایه نقش سازماندهی وایدئولوژیک حزب کمونیست ایران صورت گرفته است.

در گزارش‌هایی که هم از زندگانی زحمتکشان، بویژه کارگران و دهقانان تهیه میشود، باید حتماً به تهیه عکس آنها همکام کار تصویر چهره آنها توجه داشت. اینگونه عکس‌ها باید زنده و هنگام کار گرفته شود. تا بتواند نحوه فعالیت زحمتکشان را نشان دهد. عکس اغلب عکس‌ها ویا فیلم‌هایی که همراه گزارش‌ها و اخبار میرسد، فاقد شرح است. حتماً لازم است پشت هر قطعه عکس توضیح کافی در مورد آن داده شود. اگر فیلم را برای امی فرستید، در نامه‌ای همراه فیلم بر حسب شماره فیلم توضیحات آنرا بنویسید. ۵- مشخصات دقیق محلالت فقر، و در صورت امکان، محل قرارگرفتن آنها در شهردوی نقشه ترسیم کنید. ۶- هر گزارش و خبر باید شامل تاریخ روی دادن آن و نام شهر، روستا، کارخانه و محلی باشند که گزارش یا خبر از آنجا تهیه شده است. ۷- برای آنکه اشتباهی بخصوص در اسامی اشخاص و محله‌ها روی ندهد، اسامی دوبار و بزرگ و کاملاً خوانا نوشته شود. ۸- گزارش‌ها و اخبار را بک طرف صفحه و با خط خوانا بنویسید. اگر با ماخبرین تحریر باشد چه بهتر.

برای شهیدان حزب و جنبش

نامه «مردم» دنظر داردمکس- های تمام‌بازرانی را که در دوران سلطنت ننگین و مغفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود پشادت رسیده‌اند، جمع آوری کند. از همه میهن‌دوستان و آزادی‌خواهان تقاضا میشود که هر عکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر نامه «مردم» مراجعه کنند. با سپاس - نامه مردم»

قابل توجه خبرنگاران نامه «مردم» در شهرستانها امکان دارند، میتوانند هر نوع فیلم، عکس، دست‌نویس و سیاه‌وسفید را تهیه کنند. در اینگونه مواقع میتوانند برای سهولت و سرعت کار، عکس سیاه و سفید و فیلم‌تکی را برای ما بفرستند. ۲- در بسیاری موارد، از مشکلاتی که گزارش آنها تهیه و در روزنامه چاپ شده است، برای ما گزارش می‌رسد، برای مثال تاکنون ۳ گزارش در باره محله زنجیان شمالی، که گزارش آن قبلاً در روزنامه چاپ شده، برای ما فرستاده شده است. تهیه این قبیل گزارش‌های تکراری تنها سبب هدر رفتن وقت میشود. ۳- در عکس‌هایی که از محلات فقر و زحمتکشان برای ما میرسد، اغلب آنها عکس خانه‌ها، کپرها، ویرانی محله گرفته شده است. این عکس‌ها لازم است، اما کافی نیست. در محلات فقر باید عکس انسان‌هایی که در آن شرایط زندگی میکنند نیز گرفته شود. بویژه تهیه عکس زحمتکشان که هنگام تهیه گزارش آنها کفترگو میشود، حتماً لازم است.

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

درجهان سوسیالیسم

رشد تولید صنعتی در جمهوری سوسیالیستی رومانی

با پایان رسیدن برنامه پنجساله کنونی رومانی (۱۳۶۰-۱۳۵۵)، که مرحله اول برنامه ساختمان جامعه ازهدسو رشد یافته سوسیالیسم را در آن کشور تشکیل میدهد، پیش‌بینی میشود که تولید ناویژه صنعتی در پایان این مدت، ۷۰ درصد افزایش یافته و ارزش آن به ۱۰۰ هزار میلیارد لی (واحد پول رومانی) رسیده باشد.

بدین ترتیب میانگین رشد سالانه تولید ناویژه صنعتی در حدود ۱۱ درصد خواهد بود. این رقم برای صنایع ماشین‌سازی و شیمیایی به ترتیب ۱۳ و ۱۴ تخمین زده میشود. سهم این دو صنعت در کل تولید صنعتی، که در سال ۱۹۷۵، ۴۲ درصد بوده، اینک به ۴۷ درصد افزایش یافته است.

در سالهای ۱۳۵۵-۶۰، تولید صنایع مصرفی، ۶۰ درصد فروتن خواهد بود. رومانی در پانزده سال گذشته، نوسازی و بازسازی تولید را تشدید بخشیده است و ۱۰ هزار ماشین نوع جدید و ۵۵۰۰ ماده و کالای مصرفی جدید تولید می‌کند. کالاهای نامبرده ۴۴ درصد ارزش تولید صنعتی رومانی را در سال ۱۹۸۰ تشکیل خواهد داد.

در سال ۱۹۸۰ (۱۳۵۹)، تولید ناویژه صنعتی جمهوری سوسیالیستی رومانی ۵۳ برابر بیکره مشابه در سال ۱۹۳۸ (۱۳۱۷) خواهد بود. اینک سهم صنایع رومانی در تولید در آمد ملی ۶۰ درصد است و ۷۵ درصد نیازمندیهای آن کشور را از نظر ماشین و ماشین‌آلات تأمین میکند. سر و پنج درصد زحمتکشان رومانی در صنعت اشتغال دارند.

درجهان سرمایه‌داری

انگلستان، از نظر وسعت گرانی و رشد تورم، اولین کشور سرمایه‌داری رشد یافته است

بنا بر آخرین گزارش‌ها، نرخ تورم در بریتانیا در دوازده ماه گذشته به ۲۱٫۸ درصد افزایش یافت. بنوشته «تایمز»، ارگان بورژوازی بزرگ انگلستان، این رقم از ۱۹۷۱ (۱۳۵۰) تاکنون، رکورد هشتمین کشور و دومین بزرگترین مشابه، به‌تنگم احراز حکومت از سوی دولت محافظه‌کاران در سال پیش، است.

بگزارش روزنامه‌های دیگر، بریتانیا از نظر وسعت گرانی و رشد تورم، با فاصله زیاد، نخستین کشور سرمایه‌داری رشد یافته است. ایتالیا، ایالات متحده آمریکا، فرانسه و دیگر کشورهای جامعه اقتصادی اروپا، در مراتب بعد قرار دارند.

عوامل گرانی هزینه زندگی در بریتانیا عبارتست از:

- ۱) افزایش مالیات‌های غیر مستقیم،
- ۲) افزایش کرایه خانه و عوارض محلی،
- ۳) افزایش هزینه برق، گاز، پست، ترابری، غذای مدرسه، ویزیت پزشک، خواروبار و پوشاک.

امپریالیسم آمریکا باید شاه مخلوع و اموال و دارائیهای غارتی راه‌آبراه ایران بازگرداند. دستهای جنایتکار حامیان رژیم شاه مخلوع از ایران کوتاه

قابل توجه رفقا و دوستان گزارشگر نامه «مردم»

تقاضا می‌کنیم برای تسویه خود نیلیم که اغلب پیش ازین عکس از مجله‌های دوستی ما از آن مورد استفاده قرار نگرفته حتی لایک آن از حلقه‌های فیلم ۱۲ فقط با چند عکس هدر نرود و تالی استفاده کنند و یا تعداد از هزینه ظهور فیلم کاسته شود. عکس‌های استفاده شده را در هر اگر امکان‌دارید عکس بفرستید، فیلم، ذکر کنند. تا بدین طریق که آسانتر است.

«پرسش و پاسخ»

جست‌ و پرسش و پاسخ روزهای در دبیرخانه کمیته مرکزی حزب پنجشنبه از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر بوده ایران تشکیل میشود.

دهقانان از سیاست کشاورزی دولت افغانستان پشتیبانی میکنند

از جانب کمیته ایالتی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در ایالت هیرمند، کنفرانسی دربار مسائل کشاورزی با شرکت فعالان حزب و کارمندان سازمانهای کشاورزی در آن ایالت و دهقانان واعضای شرکتهای تعاونی زراعی برپا شد عبدالرشید آریان، عضو کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان در این کنفرانس شرکت داشت، طی سخنانی خط مشی دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان را در زمینه کشاورزی تشریح کرد. کلان‌خود را از این خط مشی اعلام کردند.

بازگشت خانواده‌های افغانی به میهن

رادیکال‌گرا شداد که پنجاه و یک خانواده دیگر از آوارگان افغانی که گول تیلیفات دروغین دشمنان را خورده، بناچار خانه و کاشانه خود را ترک کرده بودند، به شهر فیض‌آباد مرکز ایالت بدخشان بازگشتند. اعضای سازمان‌های حزب در

باز مسائل سیاسی مورد بحث قرار گرفت و «املا می‌مانی» در مورد این مسائل صادر شد. ناظران سیاسی برای مقیده‌اند که کنفرانس وزیر هم مانند دیگر کنفرانسهای اقتصادی در

از انتشارات حزب توده ایران

منتشر شد

تجربه ۲۸ مرداد
(نظری به تاریخ جنبش ملی شدن نفت ایران)
ف. م. جوانشیر

وضع طبقاتی جامعه ایران
و گروه‌های سیاسی
پرش و پاسخ
۱۰

نورالدین کیانوری

سومین شماره

دنیای

منتشر شد

مجله «دنیای» و پرسش و پاسخ (شماره ۱۰) را میتوانید از کیوسک‌های فروش نشریات بخواهید

مجموعه جلد شده نامه «مردم» از شماره ۱۰۱ تا ۱۹۵ (از ۲ آذر ۱۳۵۸ تا ۲۸ اسفند ۱۳۵۸)

تک شماره‌های گذشته نامه «مردم» (از ۲۲ اسفند ۱۳۵۷ تاکنون) برای فروش آماده است. برای دریافت به دفتر نامه «مردم» مراجعه فرمائید.

نامه «مردم» به زبان آذربایجانی منتشر شد



به اصطلاح مسئله آوارگان آتیوی - توطئه سوماتی علیه آتیوی

رویدادهای جهان

حزب کمونیست هند: خروج بخشی از نیروهای شوروی از افغانستان نشان‌دهنده خلوص نیت سیاست شوروی در مورد افغانستان است

حزب کمونیست هند در بیانیه‌ای در دلی نو اعلام کرد که ابتکار اتحاد شوروی و دولت افغانستان در مورد خارج کردن قسمتی از نیروهای نظامی محدود اتحاد شوروی از افغانستان، نشان دهنده خلوص نیت سیاست شوروی در مورد افغانستان است.

در بیانیه اضافه شده است که اتحاد شوروی همواره اعلام کرده است که حضور نیروهای محدود این کشور در افغانستان تنها برای حفظ حاکمیت ملی افغانستان در برابر مداخله نظامی سلطانه خارجی است.

حزب کمونیست هند در بیانیه خود می‌افزاید که اکنون تبلیغات امپریالیستی آمریکا و ویران یکن افسانه شده و نشان داده میشود که امپریالیست‌ها و دارو دسته حاکم بر یکن جنایتکاران و اقامت‌مستند که پشت سر با اصطلاح مسئله افغانستان پنهان شده‌اند و تلاش دارند به جنبش‌های بخش ملی ضربه وارد سازند.

نیروهای اشغالی اسرائیل تظاهرات دانشجویان عرب را بگلوله بستند

نیروهای اشغالی اسرائیل تظاهرات دانشجویان عرب در دانشگاه «بیرزیت» شهر رام الله را به گلوله بستند.

دانشجویان بعنوان اعتراض به قتل وحشیانه یک زن ۲۲ ساله عرب پرسیده مردوران ارتش اسرائیل به خیابانها ریخته بودند.

در جریان تیراندازی سربازان اسرائیل بروی دانشجویان عرب شهر رام الله، جوانان مجروح و مدهای بازداشت شدند. نیروهای اسرائیلی دانشگاه را محاصره کرده‌اند.

کارگران و زحمتکشان انگلستان به استقرار موشک‌های هسته‌ای آمریکایی در خاک انگلیس اعتراض میکنند

در لندن تظاهرات بزرگی علیه استقرار موشک‌های هسته‌ای آمریکایی در خاک انگلیس برپا شد. در این تظاهرات هزاران کارگر و زحمتکش، که از سرآسز انگلیس به لندن رفته بودند، شرکت کردند. تظاهرکنندگان خواستار لغو تصمیم مربوط به استقرار موشک‌ها در انگلیس شدند و طرح‌های پیمان تجارزاکر ناتو را محکوم کردند.

اوضاع کابل عادی است

خبرنگار روزنامه اومانیت ارگان حزب کمونیست فرانسه از کابل گزارش میدهد که برخلاف ادعای رسانه‌های گروهی امپریالیستی، اوضاع شهر کاملاً عادی است و اثری از تظاهرات و اعتصابات ادعائی در شهر دیده نمی‌شود.

خبرنگار اومانیت در گزارش خود می‌افزاید: «منح مجرد و مرود یکساعت کاهش یافته است و این نشان دهنده اوضاع عادی در شهر است.»

اسناد جدیدی از جنایات امپریالیست‌های آمریکایی فاش میشود

هر روز اسناد جدیدی از طرح‌های غیر-انسانی امپریالیست‌های جنایتکار آمریکا فاش می‌شود. عده‌ای از نمایندگان پارلمان انگلیس اسناد محرمانه‌ای از فرماندهی نیروهای آمریکایی در اروپای غربی بدست آورده‌اند، که جنجال بزرگی در اروپا برپا کرده است. بموجب این اسناد، در صورت ستیز یا اتحاد شوروی، قرار بوده است که آمریکا ضربه‌ای را وارد سازد و موشک‌های این کشور در اروپای غربی بسوی هند-هایی در شوروی پرتاب شوند. اما مسئله همین‌جا پایان نمی‌یابد. این اسناد نشان میدهد که همچنین قرار است هدف‌هایی در یوگسلاوی، اتریش، فنلاند، آلمان فدرال و ایران و احتیاطاً ترکیه مورد حمله قرار گیرند.

بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا برای حفظ منافع خود حاضر است حتی کشوری مانند آلمان فدرال را که با اصطلاح متحد این کشور است و همچنین ترکیه - متحد دیگر را با بمب‌ها و موشک‌های آمریکایی نابود کند.

امریکا حضور نظامی خود را از اطراف شبه جزیره کره افزایش میدهد

خبرگزاری ناس اعلام کرد که آمریکا کماکان حضور نظامی خود را در آبهای اطراف شبه جزیره کره افزایش میدهد. اخیراً چند کشتی جنگی جدید آمریکایی به ناوگان هنته آمریکا که دائماً در آبهای ناحیه در رفته آمد هستند، ملحق شده‌اند. هواپیماهای آمریکایی که بویژه برای کنترل سربازان از هوا می‌چین شده‌اند، به جزایر ژاپنی اوکیناوا منتقل گشته‌اند.

ناس تأکید کرد که یکی از دلایل تحکیم شتاب‌آورد نفوذ نظامی آمریکا در خاور دور، تمایل واشنگتن برای حفظ رژیم پلیس و دست‌نشانده ستول بر قیمت ممکن است. این رژیم از سوی واشنگتن بر مردم کره جنوبی تحمیل شده است.

اخیراً رژیم کره جنوبی بدستور آمریکا قیام مردم این کشور را بظنک و خون کشید. ناس تأکید کرد که در جریان قیام خلق کره جنوبی، دارو دسته حاکم بر یکن در کنار امپریالیست‌های آمریکایی قرار گرفتند و هوا کوفتک در ژاپن این «ناسف» خود را از رویدادهای کره جنوبی اعلام کرد و گفت این رویدادها اوضاع را «بسیار» می‌سازد و بدین ترتیب یکن، که در به اصطلاح حمایت از مبارزه مردم محسور، شفاهاً اعلامیه‌های بسیار شدید صادر می‌کند، در عمل بار دیگر نشان داد که هر بار که خلق‌های محروم برای نجات از یوغ ظلم و فشار قیام می‌کنند، یکن در کنار امپریالیست‌ها قرار می‌گیرد.

هشیاری کارکنان و شورای کارکنان مجتمع پتروشیمی آبادان جلو کار خلاف قانون مقاطعه کاری طاغوتی و ضدملی را گرفت



رویدادهای ایران

شدن این طرح به مقاطعه کار مذکور گفته اند؛ مشورا غیره نوی است؛ ما از مقامات مسئول می‌خواهیم که در این مورد برخورد جدی و اصولی داشته باشند و اجازه ندهند که گروهی سودجو و مغرض باعث درگیری‌های بی‌شمار شود که نظم کار و روابط حسنه کارکنان را خدشه دار کند.

جای مبارزه با این عوامل رفیق مبارزی را که اقدامات وی در جهت آگاهی مردم زحمتکش و دفاع از انقلاب است، یادداشت می‌کنند؛

با ضمن اعتراض شدید به بازداشت غیرقانونی رفیق ابراهیم پرستش ما از مقامات مسئول این انقلاب، بویژه سپاه پاسداران آذربایجان، شش‌زاد و سایر مقامات مسئول، خواهش می‌کنیم که در امر کار و تولید این واحد کارشناسی می‌کنند، چرا به ابراهیم مهربان هستیم.

قابل توجه نهادهای انقلابی شیراز: رفیق ابراهیم مهربان را آزاد کنید!

دیگر به اتهام واهی واخلال در کارخانه روانه زندان شده‌است. پرسش ما از مقامات مسئول این است که: اگر در درون کارخانه آذربایجان اختلافی وجود دارد و مدیران آنجا در امر کار و تولید این واحد کارشناسی می‌کنند، چرا به ابراهیم مهربان هستیم.

کارگران پاسدار انقلابند و پاسداران انقلاب مدافع کارگران!

و دیگر اینکه در کارگاهها افراد خردسال را به کار می‌گیرند و دست‌زد ناچیزی به آنها پرداخت می‌کنند. ما خوب می‌دانیم که در رژیم گذشته در کارخانه‌ها و کارگاهها حق کارگران پایمال می‌شد. آیا در یکسال گذشته قدمی در راه رفاه شما عزیزان برداشته شده و یا هنوز توسط کارفرمایان حق شما ضایع می‌شود؟

۳. البته قدمی که برداشته شده، توسط خود کارگران بوده‌است. مسئولین و آنان بود که ساعت کار را تقلیل دادیم، اما حق ما شدت ضایع می‌شود. زیرا اولاً ماهه اولیه (بشم تغییر قیمت چندانی نداشته، ولی نرخ تولیدی در برابر افزایش قیمت داشته است، که از این افزایش قیمت چیزی نصیب کارگران نمی‌شود.

۴. از معاضه با کارگری دیگر، برادر کارگری لطفاً خود را معرفی کنید؛ ۵. بدلیل اینکه ممکن است کارفرما مرا اخراج کند، از ذکر نام خودداری کنید؛ ۶. شما در کدام کارگاه کار می‌کنید؟ ۷. کارخانه ریسندگی سپهر آباد؛ ۸. شما چند سال است کارگری ریسندگی هستید؟ ۹. مشکلات کارگران کارگاه شما چیست؟

۱۰. ما توجه به بودرسرشاری که کارخانه داران می‌بوتند، دست‌زد کمی به ما پرداخت می‌شود و مزایای قانونی کارگران نیز به ما نمی‌پردازند. بهداشت نداریم و تعدادی از کارگران بیمه نیستند، وقتی هم که از ادارات برای بازرسی می‌آیند و بستان کارفرما نمی‌گذارند ماحققان را برای مسئولین بازگو کنیم.

۱۱. انگلیس خیرهایی درباره زندگی کارگران در نرسیده نندای پاسدار، ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرضا، نشان دهنده آنست که این نهاد انقلابی، مدافع حقوق کارگران است و برای بهبود زندگی کارگران بی‌تفاوت نیست.

۱۲. ما برای دست‌اندرکاران نشریه «ندای پاسدار» فوقی هرچه بیشتر در کارهای آرزو می‌کنیم. امیدواریم که گردانندگان این نشریه هرچه بیشتر زندگی و کار کارگران را مورد توجه قرار دهند و در این زمینه موفق باشند.

۱۳. بدیهی است که نشر انقلابی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در دفاع از منافع کارگران و کشاورزان ناشی از حمایت این نهاد انقلابی است. سپاهی که اذدل انقلاب بر آمده، باید در صد ارتقاء جنبه‌های خلقی خویش از هر باره کوشا باشد. خوشبختانه در نودای که مورد نظر ماست، این آرزو تحقق یافته است و امیدواریم که در آینده جلوه‌های بارزتری داشته باشد.

۱۴. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۱۵. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۱۶. در زمان رژیم متفرد گذشته در این کارگاهها بر کارگران ستم بسیار می‌رفت. از جمله اینکه بر خلاف قانون، کارگران در روز ۱۰ ساعت کار می‌کردند و سطح دست‌زد در ساعات کم بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به علت جو حاکم و محیط رعب و ترس که کارفرمایان ایجاد کرده بودند، کارگران از احقاق حق خویش ابا داشتند. ولی در اول دیماه سال گذشته، ساعت کار به ۸ ساعت در روز تقلیل یافت و دست‌زدها نیز کمی افزایش یافت. اما هنوز هم در بعضی از کارگاهها استعمار فرادزد شدت به چشم می‌خورد. در پی شکایت کارگران به اداره کار و امور اجتماعی، از طرف این اداره به کارفرمایان اخطار شد که من ایجاب عقب‌مانده کارگران بر پرداخت شود. اما تاکنون کارفرمایان از پرداخت کامل من‌آبا خودداری کرده‌اند...

۱۷. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۱۸. در زمان رژیم متفرد گذشته در این کارگاهها بر کارگران ستم بسیار می‌رفت. از جمله اینکه بر خلاف قانون، کارگران در روز ۱۰ ساعت کار می‌کردند و سطح دست‌زد در ساعات کم بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به علت جو حاکم و محیط رعب و ترس که کارفرمایان ایجاد کرده بودند، کارگران از احقاق حق خویش ابا داشتند. ولی در اول دیماه سال گذشته، ساعت کار به ۸ ساعت در روز تقلیل یافت و دست‌زدها نیز کمی افزایش یافت. اما هنوز هم در بعضی از کارگاهها استعمار فرادزد شدت به چشم می‌خورد. در پی شکایت کارگران به اداره کار و امور اجتماعی، از طرف این اداره به کارفرمایان اخطار شد که من ایجاب عقب‌مانده کارگران بر پرداخت شود. اما تاکنون کارفرمایان از پرداخت کامل من‌آبا خودداری کرده‌اند...

۱۹. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۲۰. در زمان رژیم متفرد گذشته در این کارگاهها بر کارگران ستم بسیار می‌رفت. از جمله اینکه بر خلاف قانون، کارگران در روز ۱۰ ساعت کار می‌کردند و سطح دست‌زد در ساعات کم بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به علت جو حاکم و محیط رعب و ترس که کارفرمایان ایجاد کرده بودند، کارگران از احقاق حق خویش ابا داشتند. ولی در اول دیماه سال گذشته، ساعت کار به ۸ ساعت در روز تقلیل یافت و دست‌زدها نیز کمی افزایش یافت. اما هنوز هم در بعضی از کارگاهها استعمار فرادزد شدت به چشم می‌خورد. در پی شکایت کارگران به اداره کار و امور اجتماعی، از طرف این اداره به کارفرمایان اخطار شد که من ایجاب عقب‌مانده کارگران بر پرداخت شود. اما تاکنون کارفرمایان از پرداخت کامل من‌آبا خودداری کرده‌اند...

۲۱. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

پتروشیمی آبادان در جوار پلایشگاه نفت آبادان است. پرسنل هفتصد نفری کارکنان مستعمل از عناصر و نیروهای مختلف هستند که در نهایت به درجه‌بندی مردمی در اکثریت از یکسو و معدودی ضدانقلابی از سوی دیگر میشوند. حدود یکماه پیش عناصر ضدملی و در رأس آن اعضاء کمیسیون مدعیان، مقاطعه کاری بنام طاهر فاضلی‌نیا معروف به (ماه یکدست) را دعوت به عقد پیمان - از نوع پیمان‌هاییکه با ایشان در زمان طاغوت صورت گرفته بود، کردند. بعضی اینکه شورا از این جریان اطلاع یافت، آنرا خنثی کرد و به عوامل آشکار و پنهان آن هشدار داد. این عوامل که ایجاد اختلال در نظم و روابط حسنه داخل مجتمع تولیدی، در این منطقه حساس از مین‌ما، را هدف خود قرار داده‌اند، پس از خنثی

یکی از هواداران حزب توده ایران در شیراز به جرم فروش روزنامه قانونی پیام مردم، در زندان عادل‌آباد این شهر زندانی شده است.

رفیق ابراهیم مهربان، که اکنون در شیراز ۱۷ روز است که در زندان به سر می‌برد، روز ۱۸ خرداد سال جاری، هنگام فروش هفتک نام «پیام مردم» در مقابل کارخانه «آذربایجان» توسط سپاه پاسداران دستگیر و از آنجا به زندان عادل‌آباد شیراز فرستاده شد. رفیق ابراهیم مهربان که مدت دو سال در دوران طاغوت در زندان‌های رژیم سرنگون شده پهلوی زندانی کشیده بود، اینک بار

کارگران پاسدار انقلابند و پاسداران انقلاب مدافع کارگران!

آخر آتش‌بزه شماره ۸ «ندای پاسدار» ارگان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شهرضا، مورد بازتاب در اردیبهشت‌ماه ۱۳۵۹، بدست ما رسیده است. در این شماره به مناسبت اول‌ماه مه (۱۱ اردیبهشت‌ماه) مصاحبه‌ای با چند تن از کارگران کارگاههای پشم‌ریسی شهرضا انجام شده است، که ما به جهت اهمیت به درج قسمتی از آن می‌پردازیم.

دوره شهرمان (شهرضا) حدود ۲۵ کارگاه ریسندگی پشم وجود دارد، که در هر کدام بطور متوسط ۱۲ الی ۱۵ کارگر کار می‌کنند. مواد اولیه این کارگاهها پشم گوسفند و محصول تولیدی نخ قالی است، که در بازار به خومه یا خامه منتهی‌المراد است. با تحقیقاتی که ما از نزدیک به عمل آوردیم، مشاهده کردیم که بهداشت در این کارگاهها در سطح بسیار پایین قرار دارد. حمام‌هایی که به جهت آلودگی بهداشت ساخته‌اند، حکم دکور را دارد و از آنها استفاده نمی‌شود. کارگران در معرض گردپشم قرار دارند، که باعث بروز بیماریهای ریوی و از جمله سل می‌شود.

مسئله دیگر وضعیت ایمنی کار است. در این کارگاهها مسائل ایمنی رعایت نمی‌شود، که همین امر باعث شده تا اکنون نقص‌عوضهای بسیاری در این کارگاهها پیش آید.

در زمان رژیم متفرد گذشته در این کارگاهها بر کارگران ستم بسیار می‌رفت. از جمله اینکه بر خلاف قانون، کارگران در روز ۱۰ ساعت کار می‌کردند و سطح دست‌زد در ساعات کم بود. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز به علت جو حاکم و محیط رعب و ترس که کارفرمایان ایجاد کرده بودند، کارگران از احقاق حق خویش ابا داشتند. ولی در اول دیماه سال گذشته، ساعت کار به ۸ ساعت در روز تقلیل یافت و دست‌زدها نیز کمی افزایش یافت. اما هنوز هم در بعضی از کارگاهها استعمار فرادزد شدت به چشم می‌خورد. در پی شکایت کارگران به اداره کار و امور اجتماعی، از طرف این اداره به کارفرمایان اخطار شد که من ایجاب عقب‌مانده کارگران بر پرداخت شود. اما تاکنون کارفرمایان از پرداخت کامل من‌آبا خودداری کرده‌اند...

۱. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۲. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۳. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۴. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۵. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۶. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۷. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۸. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

۹. برای اطلاع خوانندگان درج می‌کنیم: ۱. برادر کارگر ممکن است خود را معرفی کنید؟ ۲. محمد امیری؛ ۳. شما در چه کارگاهی کار می‌کنید؟ ۴. ریسندگی البرز سیدخاتون؛ ۵. چند سال است در این کارگاه پشم‌ریسی هستید؟ ۶. من ۱۵ سال است که کارگر هستم؛ ۷. مشکلات اصلی شما در کارگاهها چیست؟ ۸. عدم بهداشت کافی، نپرداختن حقوق و مزایای قانونی، آشفته‌گی وضع بیمه، نبودن ایمنی کار در کارگاهها از مشکلات مهم ماست

حقایق درباره افغانستان (استاد، واقعیات و شواهد)

دخالت بورتوری جویان چینی در افغانستان

واقع در خاک جمهوری خلق چین، حفظ کرده است. هدف نهایی پکن، جدا کردن این ناحیه از هندوستان است.

پشتیبانی از گروه‌های ضدولتی در یک سلسله از کشورهای آسیا، یکی از وسایل عمده اجرای سیاست عظمت‌طلبی و توسعه‌طلبی پکن را در قاره تشکیل می‌دهد. میتوان نمونه برمه را مثال آورد، که چین از سالها پیش در آنجا برای نیروهای شورشی مستشار نظامی، مربی، اسلحه و پول می‌فرستد. در بخشهای مرزی جمهوری خلق چین با برمه، از جمله در یون‌نان یک سلسله پایگاههای مخفی نظامی ایجاد شده است، که نیروهای ضدولتی برمه، قبل از اعزام به خاک برمه، در آنجا تعلیم می‌بینند. اینها فقط برخی از نمونه‌های اجزای عملی نقشه‌های توسعه‌طلبانه پکن است. مجله چینی مین‌ژیان‌شه برای توجیه این اصطلاح تئوریک این نقشه‌ها نوشت:

«توسعه سرزمین را نباید تجاوز تلقی کرد. اقدام یک ملت یا یک دولت نیرومند به توسعه سرزمین خود، از قوانین تکامل اجتماعی زمان همین ناشی می‌شود.»

چین به پیروی از همین «تئوری»، بسا اتخاذ تصمیم درباره تعریف سیاست تجاوز از سوی سازمان ملل متحد، مخالفت ورزید و از تعلنامه شورای امنیت درباره منع تصرف سرزمین دیگران با توسل به زور، پشتیبانی نکرد.

چین مائوئیستی به پیروی از این «تئوری» فعالیت توپله‌آمیز و خرابکارانه خود را در مرزهای کشورهای آسیایی گسترش میدهد و با کاربرد خشن‌ترین شیوه‌ها، در امور داخلی آنها مداخله می‌کند. افغانستان نیز از این پیش به یکی از آماج‌های این سیاست پکن تبدیل شده است.

واقعیت اعمال ضدانقلابی چین در برهان بر همگان معلوم گردیده است. مطبوعات جهان بارها درباره اشکال گوناگون این فعالیت سخن گفته‌اند. از آن‌جمله است: تعلیم شورشیان افغانی بوسیله متخصصین نظامی چینی، هم در خاک چین و هم در پاکستان، تماس‌های نزدیک با گروه‌های طرفدار چین بنام دشمنه جاوید و «سرخ» و نیز با سازمان ارتجاعی افغانی «آخسوان-المسلمین»، چین تلاشهای فراوان بکار برد تا این گروه‌های پهلوی ناسنجایی را در مبارزه علیه دولت قانونی افغانستان متحد کند و برای حصول این مقصود پول و اسلحه در اختیار دسته‌های شورشی قرار میدهد. ضمناً قسمت اعظم سلاح‌ها از طریق بزرگراه قره‌قرروم در پاکستان، که توسط پکن ساخته شده است، بدست باند‌های شورشی می‌رسد.

واقعیت اعمال ضدانقلابی چین در برهان بر همگان معلوم گردیده است. مطبوعات جهان بارها درباره اشکال گوناگون این فعالیت سخن گفته‌اند. از آن‌جمله است: تعلیم شورشیان افغانی بوسیله متخصصین نظامی چینی، هم در خاک چین و هم در پاکستان، تماس‌های نزدیک با گروه‌های طرفدار چین بنام دشمنه جاوید و «سرخ» و نیز با سازمان ارتجاعی افغانی «آخسوان-المسلمین»، چین تلاشهای فراوان بکار برد تا این گروه‌های پهلوی ناسنجایی را در مبارزه علیه دولت قانونی افغانستان متحد کند و برای حصول این مقصود پول و اسلحه در اختیار دسته‌های شورشی قرار میدهد. ضمناً قسمت اعظم سلاح‌ها از طریق بزرگراه قره‌قرروم در پاکستان، که توسط پکن ساخته شده است، بدست باند‌های شورشی می‌رسد.

واقعیت اعمال ضدانقلابی چین در برهان بر همگان معلوم گردیده است. مطبوعات جهان بارها درباره اشکال گوناگون این فعالیت سخن گفته‌اند. از آن‌جمله است: تعلیم شورشیان افغانی بوسیله متخصصین نظامی چینی، هم در خاک چین و هم در پاکستان، تماس‌های نزدیک با گروه‌های طرفدار چین بنام دشمنه جاوید و «سرخ» و نیز با سازمان ارتجاعی افغانی «آخسوان-المسلمین»، چین تلاشهای فراوان بکار برد تا این گروه‌های پهلوی ناسنجایی را در مبارزه علیه دولت قانونی افغانستان متحد کند و برای حصول این مقصود پول و اسلحه در اختیار دسته‌های شورشی قرار میدهد. ضمناً قسمت اعظم سلاح‌ها از طریق بزرگراه قره‌قرروم در پاکستان، که توسط پکن ساخته شده است، بدست باند‌های شورشی می‌رسد.

واقعیت اعمال ضدانقلابی چین در برهان بر همگان معلوم گردیده است. مطبوعات جهان بارها درباره اشکال گوناگون این فعالیت سخن گفته‌اند. از آن‌جمله است: تعلیم شورشیان افغانی بوسیله متخصصین نظامی چینی، هم در خاک چین و هم در پاکستان، تماس‌های نزدیک با گروه‌های طرفدار چین بنام دشمنه جاوید و «سرخ» و نیز با سازمان ارتجاعی افغانی «آخسوان-المسلمین»، چین تلاشهای فراوان بکار برد تا این گروه‌های پهلوی ناسنجایی را در مبارزه علیه دولت قانونی افغانستان متحد کند و برای حصول این مقصود پول و اسلحه در اختیار دسته‌های شورشی قرار میدهد. ضمناً قسمت اعظم سلاح‌ها از طریق بزرگراه قره‌قرروم در پاکستان، که توسط پکن ساخته شده است، بدست باند‌های شورشی می‌رسد.

واقعیت اعمال ضدانقلابی چین در برهان بر همگان معلوم گردیده است. مطبوعات جهان بارها درباره اشکال گوناگون این فعالیت سخن گفته‌اند. از آن‌جمله است: تعلیم شورشیان افغانی بوسیله متخصصین نظامی چینی، هم در خاک چین و هم در پاکستان، تماس‌های نزدیک با گروه‌های طرفدار چین بنام دشمنه جاوید و «سرخ» و نیز با سازمان ارتجاعی افغانی «آخسوان-المسلمین»، چین تلاشهای فراوان بکار برد تا این گروه‌های پهلوی ناسنجایی را در مبارزه علیه دولت قانونی افغانستان متحد کند و برای حصول این مقصود پول و اسلحه در اختیار دسته‌های شورشی قرار میدهد. ضمناً قسمت اعظم سلاح‌ها از طریق بزرگراه قره‌قرروم در پاکستان، که توسط پکن ساخته شده است، بدست باند‌های شورشی می‌رسد.

واقعیت اعمال ضدانقلابی چین در برهان بر همگان معلوم گردیده است. مطبوعات جهان بارها درباره اشکال گوناگون این فعالیت سخن گفته‌اند. از آن‌جمله است: تعلیم شورشیان افغانی بوسیله متخصصین نظامی چینی، هم در خاک چین و هم در پاکستان، تماس‌های نزدیک با گروه‌های طرفدار چین بنام دشمنه جاوید و «سرخ» و نیز با سازمان ارتجاعی افغانی «آخسوان-المسلمین»، چین تلاشهای فراوان بکار برد تا این گروه‌های پهلوی ناسنجایی را در مبارزه علیه دولت قانونی افغانستان متحد کند و برای حصول این مقصود پول و اسلحه در اختیار دسته‌های شورشی قرار میدهد. ضمناً قسمت اعظم سلاح‌ها از طریق بزرگراه قره‌قرروم در پاکستان، که توسط پکن ساخته شده است، بدست باند‌های شورشی می‌رسد.

واقعیت اعمال ضدانقلابی چین در برهان بر همگان معلوم گردیده است. مطبوعات جهان بارها درباره اشکال گوناگون این فعالیت سخن گفته‌اند. از آن‌جمله است: تعلیم شورشیان افغانی بوسیله متخصصین نظامی چینی، هم در خاک چین و هم در پاکستان، تماس‌های نزدیک با گروه‌های طرفدار چین بنام دشمنه جاوید و «سرخ» و نیز با سازمان ارتجاعی افغانی «آخسوان-المسلمین»، چین تلاشهای فراوان بکار برد تا این گروه‌های پهلوی ناسنجایی را در مبارزه علیه دولت قانونی افغانستان متحد کند و برای حصول این مقصود پول و اسلحه در اختیار دسته‌های شورشی قرار میدهد. ضمناً قسمت اعظم سلاح‌ها از طریق بزرگراه قره‌قرروم در پاکستان، که توسط پکن ساخته شده است، بدست باند‌های شورشی می‌رسد.

واقعیت اعمال ضدانقلابی چین در برهان بر همگان معلوم گردیده است. مطبوعات جهان بارها درباره اشکال گوناگون این فعالیت سخن گفته‌اند. از آن‌جمله است: تعلیم شورشیان افغانی بوسیله متخصصین نظامی چینی، هم در خاک چین و هم در پاکستان، تماس‌های نزدیک با گروه‌های طرفدار چین بنام دشمنه جاوید و «سرخ» و نیز با سازمان ارتجاعی افغانی «آخسوان-المسلمین»، چین تلاشهای فراوان بکار برد تا این گروه‌های پهلوی ناسنجایی را در مبارزه علیه دولت قانونی افغانستان متحد کند و برای حصول این مقصود پول و اسلحه در اختیار دسته‌های شورشی قرار میدهد. ضمناً قسمت اعظم سلاح‌ها از طریق بزرگراه قره‌قرروم در پاکستان، که توسط پکن ساخته شده است، بدست باند‌های شورشی می‌رسد.

واقعیت اعمال ضدانقلابی چین در برهان بر همگان معلوم گردیده است. مطبوعات جهان بارها درباره اشکال گوناگون این فعالیت سخن گفته‌اند. از آن‌جمله است: تعلیم شورشیان افغانی بوسیله متخصصین نظامی چینی، هم در خاک چین و هم در پاکستان، تماس‌های نزدیک با گروه‌های طرفدار چین بنام دشمنه جاوید و «سرخ» و نیز با سازمان ارتجاعی افغانی «آخسوان-المسلمین»، چین تلاشهای فراوان بکار برد تا این گروه‌های پهلوی ناسنجایی را در مبارزه علیه دولت قانونی افغانستان متحد کند و برای حصول این مقصود پول و اسلحه در اختیار دسته‌های شورشی قرار میدهد. ضمناً قسمت اعظم سلاح‌ها از طریق بزرگراه قره‌قرروم در پاکستان، که توسط پکن ساخته شده است، بدست باند‌های شورشی می‌رسد.

تجربه سالهای چنددهه اخیر نشانگر آنست که طرح دغاوی ارضی، ایجاد کانول-های تشنج در مرزها و برانزختن آتش جنگ علیه کشورهای همسایه یکی از اجزاء ثابت مشی مائوئیستی در بران چین بوده و هست. اطلس‌های جدید جغرافیایی و جزوه‌هایی که به صورت راهنما در جمهوری خلق چین چاپ و منتشر میشود، مناطق وسیعی از اتحاد شوروی، از جمله بخش‌هایی از آسیای میانه و کازاخستان، جمهوری توده‌های مولدستان، سرزمین جمهوری سوسیالیستی ویتنام و بسیاری از کشورهای دیگر آسیا را جزو سرزمین تاریخی چین قلمداد می‌کنند.

برتری جویان چینی مملی سرزمین عظیمی بساحت کل ۱۰۰ میلیون کیلومتر مربع هستند. یک میلیون و پانصد هزار کیلومتر مربع از خاک جمهوری توده‌های مولدستان، ۱۳۰ هزار کیلومتر مربع از خاک هندوستان، ۷۰ هزار کیلومتر مربع از خاک برمه و شیره و غیره در این شمار آمده است. دغاوی پکن برخی از مناطق جمهوری سوسیالیستی ویتنام، لائوس، کامبوجیا، تایلند و مالزی را دربر می‌گیرد.

بیست و پنجسال پیش مائوئسه دون گفت: «تمام جهان هدف ماست و ما در پهنه آن قدرت عظیمی ایجاد خواهیم کرد.»

اسمخاب «دغادای کبیره» تمام نیروی خود را برای تحقق نقشه‌های او به کار می‌برد. در سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳)، چین جزایر پاراسل را، که به ویتنام تعلق داشت، به زور اشغال کرد و بدنبال این عمل راهزانه، ادعای ارضی خود را بر جزایر سبارتلی اعلام کرد. آنگاه حضور نظامی چین در دریای جنوبی چین، به حدی که برای کشورهای این منطقه خطرناک است تشدید شد.

در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، چین به تجاوز علیه ویتنام سوسیالیستی دست زد، که در نتیجه آن هزاران تن از مردم بی‌گناه به قتل رسیدند و دهها قصبه و دهکده کوشیانه با خاک یکسان شد. ولی چینی‌ها از نیروهای مسلح جمهوری سوسیالیستی ویتنام تودهنی محکمی خوردند و مجبور به ترک مناطق مرزی این کشور گردیدند.

مردم آسیا حمله مسلحانه دیگر چین علیه همسایه‌های هندوستان را، خوب بیاد دارند. در آزمان چین سعی داشت این کشور را بزور وادار به شانسائی دغاوی ارضی خود کند. در نتیجه این امر، ۳۶ هزار کیلومتر مربع از خاک هندوستان به تصرف اشغالگران چینی درآمد. چین تا امروز نیز کانون تشنجات را در مرز شمال‌شرقی هندوستان، یعنی ایالت ناگالند و میزورام از طریق تحویل اسلحه به شورشیان محلی و تعلیم جنگی آنها در اردوگاههای مخصوصی

مردم ارومیه: اتحاد تمام نیروهای انقلابی برای مبارزه با آمریکا لازم است



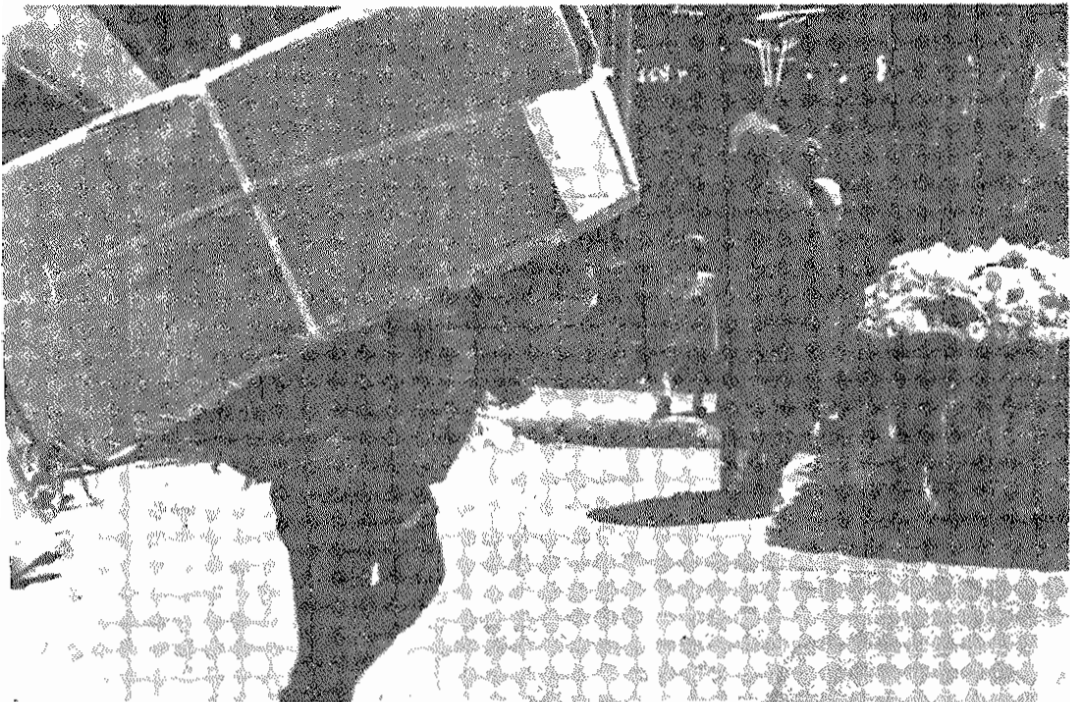
به همت فرله دمکرات آذربایجان - سازمان حزب توده ایران در آذربایجان نمایشگاه عکسی از جنایات امپریالیسم آمریکا در جهان، در شهر ارومیه برگزار شد. این نمایشگاه مورد استقبال فراوان اهالی شهر قرار گرفت و آن‌ها در تماس‌هایی با کمیته ارومیه خواستار برپائی بیشتر اینگونه نمایشگاه‌ها شدند. همچنین بازدیدکنندگان از نمایشگاه متفق‌القول بودند که برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، اتحاد تمام نیروهای انقلابی لازم است. آن‌ها تاکید داشتند که در موقعیت کنونی هرگونه تفرقه به نفع آمریکا تمام می‌شود.

تمام قراردادهای اقتصادی و نظامی اسارت‌گر امپریالیستی باید لغو شود

۲۳ خرداد ۱۳۵۹

با کارگران بار

مسائل کارگری



* هنوز وضع ما با سابق چندانسی فرقی نکرده، زندگی موقتی... کار با اعمال شاقه... هیچ تامین نداریم.

کارگران باربر ریشه در روستا دارند، هنوز هم بسیاری از آنها - بخصوص جوانانشان - پنجاه ساله از سال راپرانی کشاورزی به ده برمیگردند. بعضی زمین ندارند و بعضی دیگر قطعه زمین کوچکی را - احياناً با اتفاق چند خواهر و برادر - صاحبند که قطعه زندگی‌شان را نمیلند. اینست که روانه تهران میشوند و اگر بتوانند یک چرخ باربری دستوپا می‌کنند، و اگر نه، بارها پروش خوش میگیرند و در هر حال به بهای خرد شدن روزی سنگینی بار، زندگی پتورونمیر خود و خانواده‌شان را تامین میکنند.

کارگران باربر بی‌تسه نیستند. هیچگونه تامین شغلی ندارند و فاقد هر نوع تسکلی منفی هستند. درآمد روزانه‌شان بین ۱۰ تومان تا ۱۵۰ تومان متغیر است. گاهی روزها هم اسلکار پیدا نمی‌کنند و مجبور میشوند که دست خالی به خانه بروند، بخصوص اگر بازار تعطیل باشد.

حتی اگر کرد پیری بر سر رویشان نهند، باند، چهره‌شان از رنج سالیان دراز کار طاقت فرسا برچین، پشت‌شان خم و سلاش‌شان بر باد رفته باشد، باز هم مجبورند کار کنند. و اگر دیگر طاقت حمل بار سنگین نمانده باشد، باید به برداشتن بار سنگین‌تر در آمد ۲۰-۱۰ تومان قناعت کنند و بیس زن و فرزند خجالت بکشند که بعد از یک عمر جان کندن، نه پس‌اندازی دارند، نه زندگی راحتی و نه تامین آتیای.

هیچکس تعداد آنها را دقیقاً نمی‌داند. بیشتر در حوالی بازار و خیابانهای مجاور آن برکنده‌اند و در کسکال و چندماه اخیر، بعثت رواج بیکاری و هجوم بازهم بیشتر روستائیان به شهر، تعدادشان افزایش یافته است.

شرایط زندگی و وضع مسکن کارگران باربر همچو سایر زحمتکشان فلاکت‌بار است. برای یک اتاق کوچک باید ۴۰۰ تومان در ماه کرایه پرداخت و حتی اگر تعداد اعضای خانواده به ده نفر هم برسد، باز هم باید بهمان یک اتاق قناعت کرد. این است که بسیاری از آنها ترجیح میدهند خانواده‌شان را در ده بگذارند و خود در دستگاه باربری بخواهند و با چندان نفر دیگر مشترکاً اتاقی را اجاره کنند.

بسیاری هنوز گودشتین‌اند. اکثریت عظیم‌شان مایل‌اند شرایطی فراهم شود که بتوانند در روستایشان به کشاورزی بپردازند. می‌گویند که از ناچارای پشردوی آورده‌اند و اگر دولت زمین و آب در اختیارشان بگذارد، حاضرند همین فردا بده بر گردند. خواستشان این است که وضع روستاها درست شود. می‌گویند در روستاها نه از حمام خیری هست، نه از مدرسه، نه از بهداشت و نه از جاده.

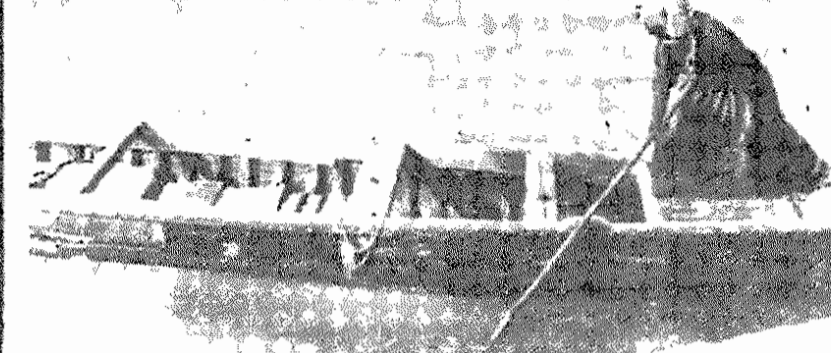
بعد از انقلاب هیچگونه بهبود قابل توجهی در زندگی کارگران باربر پدید نیامده است. می‌گویند که رفیع منوویت از حرکت چرخهای باربریشان در خیابان، بزرگترین رویدادی است که بعد از انقلاب در وضع کارشان رخ داده.

گزارشگر ما با باربران تهران در نقطه‌ای مختلف شهر، گفتگوهای داشته، که در زیر می‌آید:

نامش تیمور است، ۵۰ سال دارد و سی سال است که باربری میکند. اهل یکی از روستاهای اطراف اردبیل است. چرخ دارد، میگوید: «راشل حمل می‌کرم و بعد از چرخ خرم».

درآمد روزانه‌شان را بین ۱۰ تا ۵۰ تومان ذکر میکند. فرزند دارد. اجاره‌نشین است. حمل سبک‌ترین در ابتدا دروازه‌ها بود و حالا نزدیک سیلو است. برای یک اتاق ۴۰۰ تومان در ماه می‌پردازد. می‌گوید: «کارگران باربر ریشه بیستند. من خودم سالم هستم، ولی دوازده از بچه‌هایم مریض‌اند. دیروز بنظر یکی از آنها چهل تومان پول ویزیت‌دکتر دادم. برای عمل لوزه‌اش دوازده تومان میخواهند». در مورد سلامت کارش می‌پرسد:

میگوید: «مثل سابق نمیتوانم کار کنم. پناه می‌روم و پولی تلویزیون می‌بینم». در پاسخ این سؤال که: وضع شما بعد از انقلاب چه فرق کرده؟ می‌گوید: «تسا بی‌پرویی که حاصل شده این است که، حالا مثل سابق در ساعات



بلبرانی شغل بی آخر و عاقبت

قایق‌رانان: درآمد قایقرانی تکفوی خورد و خوراک مارا هم نمیدهد چه رسد به پس‌انداز، برای همین آخر و عاقبت ما گدائی است.

زبانین چشم‌انداز شهر خرمشهر رودخانه کارون است، که از میان شهر میگذرد. نواز سبز دوختان، انعکاس آفتاب درخشان جنوب برآب جاری و تردد قایقها در عرض رودخانه، منظره‌ای بس دلنشین دارد. جدایت این منظره تا زمانی باقیست که از دور به نظر باقیست. پای درد دل قایق‌رانان گسه می‌نشینیم، باز هم قصبه رنج برسانان زحمتکشان را می‌شنویم، که زیر فشار باربران زندگی گور خم کرده‌اند.

رودخانه کارون در سمت جنوبی شرقی شهر خرمشهر به دو شاخه تقسیم می‌شود: یک شاخه آن (بهمنشیر) به طرف آبادان جاری میشود. شاخه دیگر باجهت شرقی - غربی از میان شهر خرمشهر می‌گذرد. در قسمت شهر با یک پل بزرگ و وسیع میشود. این پل در قسمت از شهر واقع شده، که تنها برای کسانی که با اتومبیل رفت و آمد می‌کنند، قابل استفاده است. برای زحمتکشان که ساکن کرختیخ خرمشهر هستند، رفت و آمد به مرکز شهر تنها به وسیله قایقهای که در عرض رودخانه کسار میکنند، امکان پذیر است.

این قایقها در حال حاضر در ۸ اسکله (بسیار مسافری - کشتی مشغولند).

هر يك از ۸ اسکله به یک شکل است. یک بصورت پله‌های سیمانی است، یکی پله‌های آهنی که تا ۳ متر در آب جلو می‌رود و دیگری تکه تکه پاره‌های خسته و چوب است، که با لانسبک بهم وصل شده و زمانی که آب خیلی پایین می‌رود، از آن استفاده میشود.

بلبرانان از اولین ساعات بامداد کار خود را آغاز میکنند، و تا آخرین لحظاتی که روشنائی هوا اجازه دهد، مسافر می‌برند. قایقها پیش از این با پارو حرکت میکردند، ولیکن در هر چند سال گذشته همگی یک موتور بسا قدرتمند متفاوت، روی قایقها نصب کرده‌اند، که جای پارو را برمی‌کند. در کنار اسکله‌ی زهرار درفته، که با تکه‌های خسته و چوب‌دولانسبک‌های کهنه درست شده بود، دو پسر بچه را دیدیم که در قایقهای خود به انتظار مسافر نشسته‌اند. چلو و قنبری و صحبت‌ها شروع کردیم. پسر در حالی که برق شیطنت در چشمهایش میدرخشید گفت:

«اسم علی‌آلبویری است. قایق مال پدرم است. او ۷۰ سال دارد. من جای او کار می‌کنم. پدرم از شادگان به خرمشهر آمده است. قبلاً در گورک نگهدار بود، ولی ۱۵ سال است

روزی که من هم قایق کار میکنم. حالا دیگر به درد این کار هم نمی‌خورد. بسه فرمندی رفتیم و رفتیم با کاردیگری برایش پیدا کنیم. گفته خیلی پیراست». مسافری تکمیل شد. برخاست، جوش را در آب فرو کرد و قایق را به راه انداخت، تا به راه پدر برود. بلحا به تریب ردیف شده و در انتظار مسافر خمیازه می‌کشیدند. مرد عرب در حالیکه چپ‌پاش را از سر باز می‌کرد و می‌ست، ما را به داخل قایق خود دعوت کرد و گفت:

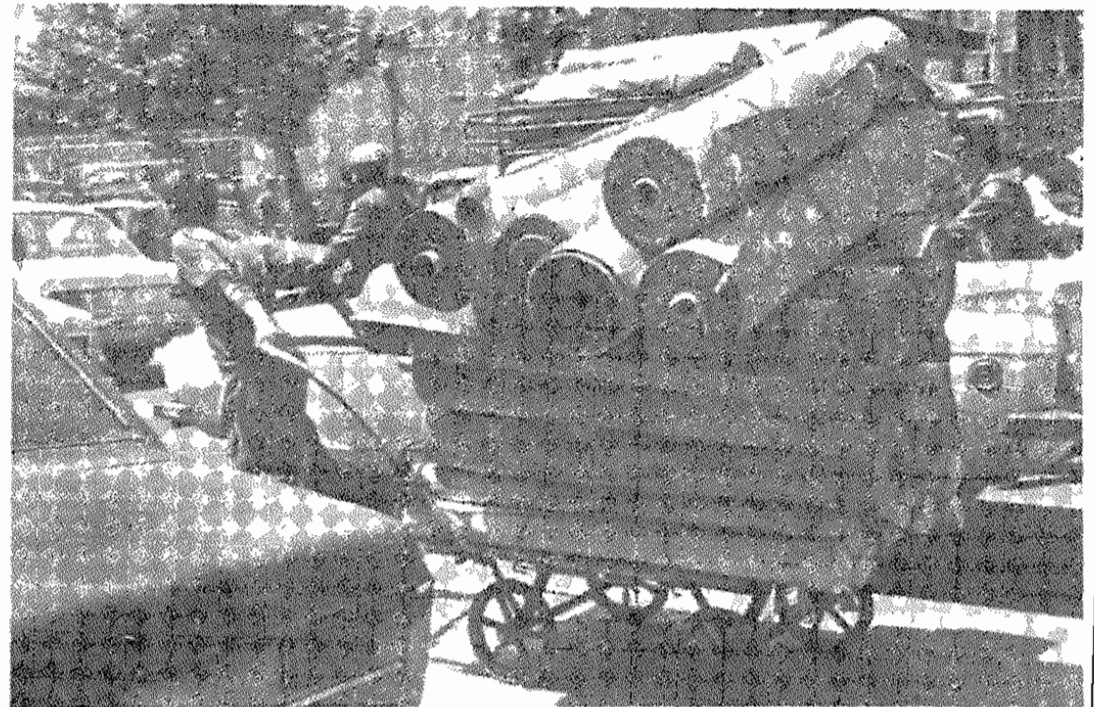
«کار کردن روی قایق هیچ حساب و کتابی ندارد. اگر تعداد قایقها زیاد باشد، غیر به دینویتی یا گرمای هوا زیاد باشد، مسافر بر می‌کشد و از پل می‌رود. گسلی یکساعت هم میشود کمتر. نوبت می‌ماند. هر بار ۸ مسافر می‌بریم. از هر مسافر ۵ ریال می‌گیریم. پس یکبار رفتن، ۴۰ تومان کرایه می‌گیریم. حالا حساب کنید با مخارج پل‌زین و روغن و تعمیر قایق و اینکه هر چند ماه یکبار باید تمام قایق را روغن بزینیم که آب داخلش نیاید، چه قدر برای خوردن می‌ماند. از پول چوب و میخ که بکاریم، نرخ دست‌زدی‌ها را هم کم‌تر است». حد فوییشاوی هم که در جمع بود، شروع به صحبت کرد:

«روزی ۵۰ - ۶۰ تومان در می‌آوریم و ولی به هیچ کاری نمی‌رسد. چندوقت پیش بچه‌ام مریض شد. پدرش دکتر. ولی پول نداشتیم. بکنفر که آنجا سوزن می‌زد گفت: «لهم پولش را میدم». ما که بی‌تسه نیستیم شما هم میدانید خرج دوا و دکتر چقدر زیاد است. ما می‌خواهیم حداقل بعد از انقلاب این مخارج ما را دولت تامین کند. ما در هر شرایطی باید برای یک‌لقمه نان جان بکنیم. هم باران‌های سرماست هم گرما و شرجی‌اش». هنوز در دلتش تمام نشده بود، که مردی درشت اندام، در حالیکه دندانش را بالای کمر گره زده بود، بدون قایقی که ما نشسته بودیم،

تامین کار برای کارگران بیکار، یکی از نخستین وظایف دولت انقلاب است

تهران

* از سندیکا و اتحادیه خبری نیست. * گرسنگی امان نمیدهد. * اگر دولت زمین بدهد، برمیگردیم ده.



بازهم کارگری فدای مطامع آزمندانانه کارفرما شد

بازهم کارگری قربانی شد، قربانی خودسری و منفعت طلبی نامحدود کارفرما. او جان خود را از دست داد، چون محل کار فاقده وسایل ایمنی بود. چرا؟ برای اینکه کارفرما میخواهد حداقل سرمایه گذاری، به حداقل سود دست یابد.

اگر به بررسی کوباهی در مورد کارگرانی که در حین کار جان خود را از دست داده اند، بپردازیم، باین نتیجه میرسیم که تقریباً همه آنها فدای مطامع سیری ناپذیر کارفرما شده اند. مادر گذشته نونهالی فروانی از سوانح کار را به اطلاع خوانندگان گرامی رسانده ایم.

در اینجا به سه نمونه تازه می پردازیم: روز سه شنبه ۲۷ فروردین ۵۹، در شهرک اکباتان (تهران) یک کارگر ۶۰ ساله، بنام نورمحمدزندی نیا، که در قسمت سنگ شکن کار می کرد، از بالای دستگاه سنگ شکن به روی تخته تالاهای پرت شد و پس از ۵ ساعت جان خود را از دست داد.

پس از وقوع حادثه، کارگر مزبور را به بیمارستان شماره ۲ انتقال دادند. متأسفانه در آنجا فقط به معاینه سطحی اکتفا شد و پزشک مربوطه مرخصی را که دچار خونریزی مغزی شده بود، بحال خود گذاشت، کارگر مصدوم، پس از بازگشت از بیمارستان، در نتیجه خونریزی مغزی درگذشت.

در این باره کارگران اظهار داشتند: «از بدو تاسیس این شرکت (مراد ۱۳۵۳) تاکنون صدها نفر در حین کار، دچار حادثه شده اند. دهها نفر از آنها کشته و بیش از صد نفر زخمی و چندین نفر ناقص العضو شده اند. فقط بدلیل نبودن وسایل ایمنی، لازم به تذکر است که در این شرکت یک گروه ایمنی ایجاد شده است که دوره آموزش اصول ایمنی را در وزارت کار گذرانده اند، ولی تا بحال کار آنها فقط به چند اعلامیه و پوستر و تهیه کلاه ایمنی خلاصه شده است. از قرار معلوم کارفرمای شرکت بوجه لازم جهت تهیه و خرید وسایل ایمنی و حفاظت را تسامین نمیکند و کارگران مجبورند در بین زمین و آسمان (تا طبقه دوازدهم) بدون کمر بند وسایل ایمنی کار کنند.

این سلاخ خانه است یا کارخانه؟

الف - روز ۲۴ فروردین ۵۹ یکی از کارگران کارخانه آتشمهر (کیلوهر ۲۶ جاده کرج) هردو دست خود را از مج در هنگام کار با پرس از دست داد.

این کارگر ۴۵ ساله است و تا سه روز پیش از حادثه نظافتچی کارخانه بود. در این اواخر او را به قسمت رادیاتور فولادی منتقل کرده بودند. و اما جریان واقعه:

صبح، هنگام صبحانه، کارگر مزبور با تاقی یک کارگر ساده دیگر (در غیاب سرپرست)، پشت دستگاه پرس ۱۶۰ تنی - که درب آنگرم پرس میکند - نشسته بود. در این هنگام همکار او ماشین را روشن کرد. وقتی که این کارگر خواست قطعه آهن را بدو دست از زیر پرس خارج کند، ماشین دوباره بکار افتاد و هردو دست کارگر را از مج قطع کرد.

روز بعد از وزارت کار یک نفر کارشناس برای بازدید به کارخانه رفت. او علت را نقص فنی دستگاه پرس گزارش داد (باین ترتیب که دستگاه به علت نقص، گاهی بجای یک بار دویار پائین می آید).

توضیح اینکه کارخانه در حال حاضر فاقد آمبولانس است و علیرغم تذکر مکرر در مورد خرید آمبولانس، متأسفانه تاکنون اقدامی در این جهت به عمل نیامده است.

لازم به تذکر است که کارگر حادثه دیده را با اتومبیل یکی از کارگران به کرج - بیمارستان کسری - انتقال دادند. وقتی که بیمارستان کارگر مزبور را پذیرفت، ناچار اورا به بیمارستان شیروخورشید سرخ بردند و آنجا بستری کردند.

ب - روز ۲۹ فروردین ۵۹ کارگر دیگری بنام احمد علی قلیزاده، (۳۸ ساله) در کارخانه آتشمهر، هنگام کار چند انگشت دستش را از دست داد.

در کارخانه مذکور چند دستگاه جراثقتل کوچک هیدرولیکی برای امور تعمیراتی و حمل و نقل قطعات وجود دارد، که دارای چهار چرخ است و کارگران آنرا باهل دادن جابجایی کنند. در موقع وقوع حادثه، وقتی بار را از زمین بلند می کنند به حوالی بالای میز نقری (هیز کار تعمیر کاران) بحالت تعلیق در می آورند. در هنگام پائین آوردن و قراردادن روی میز، جراثقتل حالت عدم تعادل پیدا میکند و از حالت سکون هم خارج می شود. در این هنگام کابل از قلاب خارج میشود و بار از روی میز حرکت می کند (بار شکل نامشخصی داشته است و این امکان وجود نداشته که آن را بخوبی روی میز اتکاء داد)، در نتیجه دست کارگر بین میز و قطعه رفت و انگشتانش شدت آسیب دید و خود کارگر نیز از روی میز زمین سقوط کرد. این کارگر ظاهراً متوجه مصدوم شدن دستش نشده و برای جلوگیری از مصدوم شدن همکارش تلاش میکرد است.

علل بروز این حادثه: ۱- بلند کردن بار اضافی در حدود ۵۰۰ کیلوگرم، درحالیکه ظرفیت مورد استفاده خیلی کمتر از این بوده (عدم رعایت ماده ۱ آیین نامه حفاظتی وسایل حمل و نقل و جابجایی مواد و اشیاء در کارگاهها)،

۲- مجهز نبودن قلاب جراثقتل به شیطا نك، که در نتیجه امکان بیرون آمدن کابل از قلاب وجود داشته است (عدم رعایت بند ب از ماده ۲۱۲)

۳- جراثقتل بایستی بحالت افقی بوده در موقع بقیه در صفحه ۸

تاکنون در بازار پاربری میکند. درآمدش بین ۳۰ تا ۵۰ تومان است و اگر بازار تعطیل باشد: هیچ. میگوید: «آنها که چرخ دارند هم کنارشان راحت تر است و درآمدشان بیشتر».

میرسم: وزن بازی که الان بدوش داری چقدر است؟ میگوید: «حداقل ۶۰-۷۰ کیلوگرم».

یک وانتبار حاوی چندین کارتن بزرگ می ایستد. سه کارگر پاربرس پوشیده و کاردن ها را بار بدوش میکنند. با یکی از آنها صحبت میکنم. صورت پرچین و ریش سفیدش سنش را دست کم ۶۰ سال می نمایاند، ولی خودش میگوید که ۴۵ ساله است و از ۲۵ سال قبل به پاربری مشغول بوده است. وزن تقریبی بازی را که بدوش دارد، میرسم: میگوید:

«تست کم ۱۰۰ کیلو!»

میرسم با بلند کردن این بارهای سنگین اذیت نمی شوی؟ خنده تلخی تحویل میدهد و میگوید: «چرا، ولی چکار کنیم؟»

چهاربجه دارد ۴۰۰ تومان کرایه برای یک اتاق می بردازد. او هم اهل زنجان است.

دو بزرگوار پاربر کنار هم نشسته اند و سیگار دود می کنند. دزمره کارگران بدون چرخ اند. کوله پشتی مخصوصی که روی پشتشان قرار میدهند و بارها روی آن میگذارند، بایک دست طناب در کنارشان روی زمین قرار دارد. سنان را می ریمس. یکی میگوید:

«چهل پنج سال» و دیگری که مردی کوچک اندام است، میگوید: «چهل سال». میرسم: چند سال است به کار پاربری مشغولید؟ مردی که گفته بود، چهل پنج ساله است، باخنده تفسیر آمیزی میگوید: «چهل و پنج ساله» و اضافه میکند: «یعنی از بیجگی!»

دردمورد در آمدشان میگویند که بعضی روزها ۵ تومان، بعضی روزها ۲۰ تومان و بعضی وقتها ۵۰ تومان. یکی از آنها توضیح میدهد:

«آخر ما که حقوق بگیر نیستیم که درآمدمان معلوم باشد».

دردمورد وضع سلامتشان میگویند: «ما هر بار ۵۰ کیلو و گاهی ۱۰۰ کیلو بار بلند می کنیم. با این وضع هم کمرمان صدمه می بیند، هم شکمان و هم چشممان».

آنها هم مثل سایرین بیمه نیستند. خانواده شان ساکن دهاتند و آنها گاهی برای چند روز به دیدارشان میروند. دردمورد و شمشان بعد از انقلاب میگویند: «برای ما توفیری نکرده»

به دو بار که به اتومبیلی تکیه داده اند، نزدیک میشوم و صحبت را با آنها شروع می کنم. میرسم: چند سال است پاربری می کنید؟ در همین موقع سه میگوید: «از بیجگی». درهم موقع سه پاربری دیگر، که آنها هم بدون چرخ اند، به ما نزدیک میشوند و در گفتگویمان شرکت می کنند. صحبت به مقایسه وضع پاربران صاحب چرخ و پاربران فاقد چرخ می کشد و من از تفاوت درآمد آنها - برسم. میرسم میگوید:

«آنها که چرخ دارند درآمدشان بیشتر است، چون با سرعت بیشتر و به مقدار بیشتر بار حمل می کنند».

جوانی به وسط حریف او میدود و میگوید:

«البته در صورتی که آشنا داشته باشند، وگرنه چرخ آفتدر زیاد است که اگر آشنا داشته باشند، درآمدشان بیشتر از ما خواهد بود».

دردمورد موطنشان میرسم، چهار نفر از اهل زنجانند و آن جوان اهل ایلام است.

جوان ایلامی میگوید که چند ماه از سال را برای کشاورزی به ده بر میگردد، ولی کشاورزی کفاف درآمدش را نمیدهد. از وضع کرایه خانه میرسم. میگوید: «برای یک اتاق دست کم ۴۰۰ تومان باید پرداخت».

بیمه نیستند و برای آنها هم مثل بعضی از همکارانشان نام اتحادیه و سندیکا کلمه های ناشناخته و غریب است. میگویند:

«کارگران پاربر اتحادیه و سندیکا ندارند».

دردمورد تاثیر بار سنگین بر روی سلامتشان ستوال می کنم. میگویند: «مریضمان میکند، ولی چکار می توانیم بکنیم؟»

دردمورد وضع کارگران پاربر بعد از انقلاب میگویند:

و دوباره مجبور می شویم راه بیتم به سمت تهران.

وضع ما بعد از انقلاب فرقی نکرده. فقط حرکتمان در خیابان آزاد شده».

دردمورد عامل غارت و چپاول ملت و زمین ما میگوید:

«امریکا بونه».

برایش از لزوم هویشاری و اتحاد مردم سخن میگوید. میگوید: «ده ماهه در اوتل انقلاب همه شهید داده، که اسم آنها را به آتشمهر داده اند. این را با انتخاب میگویند».

دردمورد بیمه و اتحادیه و سندیکا میگوید:

«ما نه بیمه هستیم و نه اتحادیه و سندیکا داریم».

۲۶ سال دارد چند کارتن بزرگ پاربری چرخش گذارده می کشد. عرق از سر و صورتش جاری است. اهل متکین شهر است. ۱۴ سال است پاربری میکند. چند ماه از سال را در تهران و چند ماه را در ده میگذراند. میگوید:

«یک قطعه زمین به ما رسیده، ولی به برادرم و کفاف خرج من را نمیدهد».

دردمورد ۱۲۰ تا ۱۵۰ تومان برای اتاقی که با چند نفر دیگر مشترکاً اجاره کرده اند، ۱۰ شب هم مشغول کار است. میگوید:

«از سبب زرد زرع بکار می کشم، ولی معلوم نیست تا کی. اگر کار باشد، تا بعضی روزها اصلاً کار گیر نمی آید».

۲۵ ساله است، کوچک اندام و تکیده. موهی سرو صورتش سفید شده و چهره های عمیق روی صورتش دیده میشود. اهل یکی از دهات تبریز است. ۴۵ سال است پاربری میکند. چرخش را ۶۰۰ تومان خریده است و زن بزرگ بچه دارد و در ماه ۵۰۰ تومان برای یک اتاق کوچک میزند. زنش بنیاد مستضعفان به او رنده داده که یک ماه دیگر خانه ای بیاورد.

اهل یکی از روستاهای شهرستان است، ۴۸ سال دارد. ۲۵ سال است که در تهران پس میرد. ابتدا کارگر کارخانه پرده کرکره بوده و از ۱۲ سال قبل پاربری میکند. میگوید:

«چون در کارخانه روزی فقط ۱۵ تومان پیمانماند و شش ماه از ما کار می کشیدند، آمدن بیرون».

میگوید: «اگر به ما زمین و آب بدهند، برمیگردیم به ده. من کشاورزی بلدم و حاضریم زمین فردا بده برگردم. پارسال برای کمک به برادرم چند روزی به ده رفتم. میگفتند قرار است خرمن ها را آتش یزند و به همین دلیل گندم ما را تر زنیم. در ده پائین تر خرمنها را آتش زده بودند».

درآمدش در روز بین ۳۰ تا ۱۰۰ تومان است. میگوید:

«در جریان انقلاب ۶ ماهه اصلاً کار نبود. بعد از انقلاب وضع ما فرق نکرده».

میرسم میگوید: «بسیار است با سرعت و برآز چین و سبیل های پریش و سفید، پشتش زرد و چندان کارتن بزرگ خم شده. ۵۲ سال دارد. اهل زنجان است. از زمان مصدق

بدهد بفرستد. موقعی که خانواده اش در تهران بودند، ماهی ۵۰۰ تومان کرایه - خانه می برداختند. الان گودشتین است و با چند نفر دیگر یک اتاق کرایه کرده اند و هر کدام ۱۰۰ تومان در ماه می بردازند. بیسواد است.

چرخ پاربری اش به خودش تعلق دارد و درآمد روزانه اش بین ۳۰ تا ۱۰۰ تومان است.

بعد از انقلاب کارما اتحادی گساده شده است. چندان تغییری در جهت بهبود وضع مان پیدا نشده است».

اهل یکی از دهات نزدیک متکین شهر است. ۲۸ سال دارد. فارسی را با لهجه غلیظ آذربایجانی صحبت میکند. ۷ سال است که پاربری میکند. میگوید:

«تا قبل از آن توکری گا و گوسفند دیکران را می کردم. بعد که عقل پیدا کردم، ول کردم و آمدم دنبال این کار».

دردمورد تعداد کارگران پاربر آزار میرسم. میگوید:

«حداقل ۵۰۰ نفر هستند. آنها که زمین دارند، الان برای کشاورزی بدهد برمیگردند».

من میگویم:

«من تا کلاس پنجم دبستان درس خوانده ام. اگر پدرم می توانست پول کتاب و قلم را بدهد، درس خواندم را ادامه میدادم. اگر زمین برای کشاورزی داشته باشم، حتی اگر درآمد از کشاورزی ۱۰۰ تومان و از پاربری ۵۰۰ تومان باشد، بازهم دنبال کشاورزی میروم. یا این کار پاربری سلامت برای آدم نیامان».

۳۸ سال سن دارم و موهایی دارم سفید میشود. تازه کام آبرومندی هم نیست. اگر دولت ما زمین بدهد ما کشاورزی می کنیم. کشاورزی در خون ما است».

دردمورد خانواده وضع درآمدش میگوید:

«زن و بچه ۴ نفره هستند. آنها را نمیتوانم اینجا نگه دارم. شش ۳ تومان برای پارک کردن چرخ پاربری کرایه میدهم. بابت اجاره یک اتاق هم با تاقی هفت نفر دیگر، هر کدام ماهی ۱۵۰ تومان میدهم».

خیلی که جان بکنم و عرق بریزم، ۴۵۰ تومان در روز در می آورم. آنها با چنین وضعیتی... ۴ ماهه از سال را در تهران میگذرانم، پولی برانداز می کنم و بدهد برمیگردم، ولی تا یکدست لباس و مقداری گندم بخرم، این پول تمام نشود».

اید، محصولات خوب است و اگر یک ید محصولات هیچ».

دردمورد وضع بعد از انقلاب میگوید: «قبلاً که ما بتوان کارگر ساختمان در بزرگ دولت آباد کار میکردیم، روزانه ۱ تومان می گرفتیم و حالا به دوستانمان ۱ تومان میدهند».

جوانی است ۲۵ ساله. اهل یکی روستای اطراف میانه است. بسیار پش است و تا کلاس ششم ابتدایی ن خوانده. چند ماهه از سال را در آن به پاربری میگذراند و بقیه را در تا به کشاورزی می بردازد. چرخش که زن بار میرد، به خودش تعلق دارد.

دردمورد وضع سکنتی میگوید: «با تعلق ۶۰۰ نفر دیگر یک اتاق در ده غار اجاره کرده ام و هر کدام ۱۰۰ تومان می بردازیم. در دهی که تهران هستیم، گوشت نمیخوریم. برای گوشت ما کار نمی دهد. ید چون خانواده مان اینجا نیستند، آیم بشما کارت بدهیم».

زورد تغییر وضع زندگی کارگران بعد از انقلاب میگوید:

وضع بهتر شده. قبلاً در سلامت چرخان را می گرفتند، می کشند و زنانند. الان هم در بازار رفت و آمد ن از ساعت ۱۲ ممنوع است، ولی تذکر میدهند و ما هم نمیرویم».

مورد روستایشان میگوید: «د از انقلاب با ما چچه به تبریز و بران توانیم، زمین ها را از دست بگیریم. بعد از این جریان سه بردم که متعلق به ما روستایان ننی زنند، که عامل آن را پیدا می کنیم».

بنظر توجه کسی مملکت ما کرده و چه کسی مسئول فلاکت زحمتکشان بوده میگوید:

«ما به داران مزدور امریکا. ۴۰۰ درده ما زندگی میکنند که نه ارند، نه مدرسه، نه جاده و رستان. اگر مدرسه در دهان داشت، من بعد از کلاس ششم درس می خواندم. اگر وضع ده بوده به تهران نمی آمدم».

بسم: از انقلاب چه انتظاری داری؟

«لرم این است که درده برایمان جوده و جاده بسازند».

ساله است و از زمره خارج شدگان ۱۰-۱۵ روز است که یک چرخ خریده و شروع به کار کرده، دارد که فارسی نمیداند. مدت در عراق ساکن بوده و در آنجا پش گونی داشته. بیسواد است. نواداش، اتاقی را در خیابان کرده است و در ماه ۴۰۰ تومان می بردازد.

یکی از دهات آذربیل است. ۱۸ که پاربری میکند، میگوید: «ما مدت ۱۵ سال در تهران دند، ولی در جریان انقلاب و بازار مجبور شده که آنها را

تشکل کارگران در انجمن های صنفی (سندیکیایی) ضرورت انقلاب ایران است

مردم محله اوقافیهای گوهر دشت کرج آبندارند

مردم این محله خواستار انحلال شورای محله هستند

محله اوقافیهای گوهر دشت کرج، یکی از هزاران محله محروم بین راه، از امکانات رفاهی، به ویژه آب، که جزء مایحتاج اولیه زندگی محسوب می شود، محروم هستند.

مشکل پی آبی در این محله یکی از مسائل پرنجیبی است که به شکلی حاد زندگی بیست هزار نفر اهالی محله اوقافیها را تحت تاثیر شدید خود قرار داده است. تمامی محله گوهر دشت از دو منبع آب ترقی و اعظمی استفاده می کنند، که فقط منبع اعظمی به محله اوقافیها اختصاص داده شده است. این منبع به هیچ وجه تکافی آب مصرفی این محله را نمی کند، به دلیل اینکه اولاً یک منبع قادر نیست آب مصرفی بیست هزار نفر جمعیت محله را تأمین کند.

لایا آب این منبع برای رسیدن به دست مردم از پانزده شخصی یکی از باغداران می گذرد و در نتیجه او هرگاه که اختیار کند می تواند جلو آب را سد کند. ثالثاً بیشتر اوقات آب این محله قطع میشود، بدون آنکه دلیل اصلی آن روشن باشد. نماینده مردم محله اوقافیها در این مورد می گوید که صاحب باغ چندین ساعت آب را به عنوان مختلف قطع می کند، که تاکنون چندین بار مورد اعتراض قرار گرفته، اما موثر نبوده است.

از طرف دیگر شورای ۵ نفره محل اکنون طبق گفته اهالی هیچ اقدامی در جهت رفع مشکلات نکرده است.

آقای غلامحسین گرامی یکی از نمایندگان در این باره می گوید:

«سالها قبل يك عده با اجارم کردن زمین از سازمان اوقاف، آنها را از متری ۴۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان به مردم فروختند، با این ضمانت که بزودی آب داده می شود. اما ماهها گذشت و از آب خبری نشد. بعد از انقلاب يك رشته آب به محله اوقافیها تعلق گرفت، بدون آنکه حتی قسمتی از مشکل ما حل شود. مشکلات ما به همین جا ختم نمی شود. متأسفانه بعد از انقلاب تنها ۶۴ نفر در مسجد محل گسرد آمدند و با رای خود ۵ نفر را به عنوان شورای محل انتخاب کردند و جای اهالی به اصطلاح رای دادند، بی آنکه مسئله را به مردم در میان بگذارند. این شورای محلی از موقعی که کارها را به دست گرفته تاکنون، هیچ گام مثبتی در جهت خواستهای مردم برداشته است. ما برای همین مشکل آب یارها به ارگانهای بالاتری، به مراکز دولتی نامه نوشته ایم، اما آنها از ما خواسته اند که از طریق شورا اقدام کنیم، تا امکان حل این مشکل از طریق قانونی امکان پذیر گردد! اما این



اعضاء يك خانواده در محله اوقافیها، برای خبرنگار نامه مردم، درد دل میکنند

سازمان حمل و نقل بندرانزلی در کار سندیکا اخلاص میکند

سندیکای کامیونداران بندرانزلی با ۶ نفر اعضای هیئت مدیره و دوفتر عضو علی البدل و سفیر بازرسی تشکیل شده است. کارآفران سرمایه دار، که «سازمان حمل و نقل» را بوجود آورده اند، توانسته اند کلیه کارها، از جمله ترخیص، گارانتی و حتی تجارت را بخود اختصاص دهند. در نتیجه بابت ارجاع محل بار به کامیونداران، از هر کامیون پنج درصد هزینه حمل بار را رسماً دریافت میکنند و هزینه کارگران گارانتی را، که باید خودشان پرداخت کنند، بطور غیرمستقیم از خریدار بار میگیرند. این اضافه دریافتی به گرانی اجناس در بازار نیز کمک میکند.

«سازمان حمل و نقل»، که قرار بود وسایل رفاهی را به رانندگان از جمله تهیه خوابگاه، سالن غذاخوری، سرویس و... را فراهم آورد، تاکنون حتی یک قدم برای رفاه رانندگان زحمتکش برنداشته است. سندیکاهم که برای تحقق خواستهای رانندگان تشکیل شده، هیچ اختیاری ندارد. مقامات دولتی نیز نسبتاً بطور جدی حاضر نیستند اختیار کارها را بدست زحمتکشان متشکل در سندیکا بسپارند، بلکه حمل کالاها را دولتیها هم به سازمان حمل و نقل محول میکنند. فعلاً تنها کار سندیکا نوبت زدن برای حمل بار است، آنهم با اخلاص و کارشکنی کارآفرانان روبرو است. آنها بین کامیونداران اختلاف می اندازند و عدم اعتماد را بین اعضای سندیکا دامن میزنند و در نهایت با تبعیض میان زحمتکشان، افراد سازشکار را بطرف خود میکشند، تا اتحاد زحمتکشان را در هم بپزند. خواستهای واقعی زحمتکشان این سندیکا عبارت است از:

- ۱- تجدید انتخابات با حضور تمامی کامیونداران و رانندگان این خط (بومی و غیربومی)،
- ۲- تنظیم اساسنامه جدید منطبق با نیازهای کنونی. اساسنامه موجود در زمان طاغوت نوشته شده و حافظ منافع سرمایه داران است.
- ۳- برسمیت شناختن سندیکا از طرف دولت و ارجاع بار به این سندیکا.
- ۴- کوتاه کردن دست واسطهها با نظارت دولت و دادن اختیارات به سندیکا.
- ۵- تشکیل شرکت تعاونی و حمایت دولت از آن.

اعلامیه سازمان حزب توده ایران در خوی درباره تشدید فعالیت ضد انقلاب

بدربال تشدید فعالیتها و توطئه های عوامل ضد انقلاب در خوی و ماکو، که در چند مورد منجر به شهادت چند نفر از مسئولین این شهرها شده است، از طرف فرقه دمکرات آذربایجان، سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - کمیته شهری خوی اعلامیه ای در این باره انتشار یافته است.

در این اعلامیه از جمله آمده است:

انقلاب شکوهمند و ضدامپریالیستی ایران به رهبری امام خمینی متافع امپریالیستها و عوامل داخلی آنان (سرمایه داران وابسته، فئودالها و بزرگ مالکان) را بطور انداخته است. امپریالیسم آمریکا و خودفرخورگان داخلی اش، برای به دست آوردن پشت از دست رفته خود و جلوگیری از تسمیق و تحکیم انقلاب ایران در داخل و خارج هر توطئه و چنایتی دست میزنند. در خارج توطئه های امپریالیسم طیف رسیمی از عملیات خرابکارانه، از تبلیغات علیه جمهوری اسلامی و گروگانگیری در سفارتخانه های ایران گرفته، تا قتل مبارزین، از آنجمله هب شمری مبارزان شهید صمدزاده را در بر میگیرد.

عمل چنایتی پستی آمریکا در داخل کشور با دست زدن به تخریب، ایجاد تفرقه، جنگ افروزی و حتی با دخالت مستقیم امپریالیسم آمریکا در تجاوز نظامی به رشته عملیاتی دست می زند که در رابطه مستقیم با خرابکاری آن در خارج کشور است. این توطئه ها در منطقه قزو، که چنایت و کشتار اخیر را بایستی در این رابطه ارزیابی کرد، به اشکال زیرین ظاهر پیدا میکند:

- ۱- تخریب خط آهن ایران - آذربایجان در منطقه قزو بمنظور تشدید محاصره اقتصادی امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران.
- ۲- انفجار دومین نفت در راه خوی - سلماس
- ۳- ایجاد درگیری و تشنج و ناامنی به منظور فراهم آوردن زمینه توطئه های وسیع تر
- ۴- گروگانگیری و کشتار وسیع ناجوانمردانه به منظور ایجاد رعب و وحشت در منطقه

آخرین چنایت این باندهای سیاه خودفروخته کشتار ضد انسانی ۳۳ تن از مسئولین شهرستان ماکو و دوتن از مسئولین صادق و پاک و دلجو شهرستان خوی است.

فرقه دمکرات آذربایجان سازمان حزب توده ایران در آذربایجان - کمیته شهری خودبخشنه از آن اجزای و تفر شدید از این اعمال ضدانقلابی، شهادت قربانی گویچی، فرماندار صادق و موظف خوی و اصرار رجمی، فرمانده عملیات سیاه پاسداران خوی را به عموم ملت قهرمان و مردم هشیار خوی و خانواده شهدای این حادثه جانکاذ تشبیهت میگوید.

بزرگ مالکان فارتگر، مسبب بدبختی دهقانان و عقب ماندگی دهات و پایگاه امپریالیسم جهانخوار هستند. انقلاب ایران باید هر چه سریعتر و قاطع تر بساط بزرگ مالکی را برچیند

قابل توجه رفقا و دوستان گزارشگر نامه «مردم»

تقاضا می کنیم برای تشبیه خود فیلم که اغلب پیش ازین همس از محیطهای روستایی. از آن مورد استفاده قرار نرفته حتی الاکبار از حلقه های فیلم ۱۶ فقط با چند مگس هدر نبرد و تانی استفاده کنند و یا - تعداد از هزینه بطور فیلم کاسته شود. عکس های استفاده شده را در هر اگر امکان دارید عکس بفرستید، فیلم ذکر کنند. تا بدین طریق که آسانتر است.

مدرسه و استادان و ورزشی مورد نیاز بچه ها، تأسیس گرمابه عمومی، تهیه وسایل ایاب و ذهاب عمومی برای کوی اوقافی، اتمام جهت گرفتن سند مالکیت، دره انگاه شبانه روزی دولتی بسیاری مستضعفین، نذول نظر برای تأسیس شهرداری ویژه کوی اوقافی، تلفن عمومی و فروشگاه تعاونی هستند.

مصدی پستی آب محله اوقافیها، آقای احمد جمالی، در این باره متذکر می شود:

«بسی و چهار ساعته چاهها آب ندارند. تازه اگر آبی هم داشته باشند، بر از مواد معدنی و گچ است. این مردم چکار کنند! با اینکه اینجا حدود ۴۰۰۰۰ نفر آب دارند اما به بیشتر آنها آبی نمی رسد. اوله کشی اینجا آقدر نامنظم و نامرتب است که به سازگی می توان هر کدام از آنها را دستکاری کرد. مثلاً خط لوله اصلی بدون هیچ حفاظی در جایی قرار گرفته که می شود خیلی راحت آن را باز کرد. در این محله به علت نبودن آب، گرمابه های هم وجود ندارند و مردم باید کیلومترها دورتر از

مردم و ارگانهای انقلابی آنها آماده مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا هستند

از جمله شورای محلی عسکری جنوبی در تهران، طی اعلامیه ای آمادگی خود را برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا اعلام داشته است.

همانطور که میدانیم، امپریالیسم چنایتکار آمریکا در سال ۳۲ چهاربار علیه حکومت مصدق توطئه کرد و شکست خورد، ولی دست از توطئه برنداشت و بالاخره توانست رژیم نژاد فتنک محمد رضا را بر ایران حاکم گرداند. بی تردید حالاکه حیات امپریالیسم آمریکا بیش از سال ۳۲ در خطر است، تجاوزات و خرابکاریهای این شیطان بزرگ ادامه خواهد داشت تا شاید آمریکا به اهداف پلید خود برسد.

همانطور که امام بارها گفته است، اگر ادعش بیست میلیون تشکیل شود، اگر همه قشرها از هر مسلکی تحت رهبری امام خمینی علیه امپریالیسم متحد شوند، آمریکا هیچ غلطی نمی تواند بکند. لذا در این شرایط حساس و خطرناک تمامی اهالی مبارز و متعهد - بخصوص جوانان مبارز - می دانیم که برای اینکه تجاوز و توطئه های امپریالیسم آمریکا را به شکست کشانیم، کمیته های دفاع محل ها را با همکاری کمیته های انقلاب، ستاد بسیج ملی... و نظامیان انقلابی و متعهد به انقلاب اسلامی تشکیل دهیم!

شورای محلی عسکری جنوبی

امپریالیسم جهانخوار آمریکا، که بر اثر اشغال انقلابی جاسوسی خانه آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و قاطعیت امام، نتوانسته است از دست زدن با انقلاب ایران بر آید، چهره چنایتکار خود را از پس مامک «مستوق بشر» عیان ساخته و انقلاب اسلامی ما را مورد حمله مستقیم قرار داده است.

آمریکای غارتگر و چنایتکار تمام تلاش خود را کرده و میکند، تا انقلاب ایران را از طریق محاصره اقتصادی و به کمک سایر همدمستان امپریالیست خود در اروپا و ژاپن به شکست کشاند. ولی با پایامردی ملت ستمدیده و مبارز ما و قاطعیت شکست ناپذیر امام دویز و شکست است. واکنش آشکارا درمست توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران و انقلاب ضد امپریالیستی ما برآمده است.

تجاوز نظامی آمریکا به ایران، خرابکاریهای پی در پی در مراکز نفت خیز، جنگ برادر کشی در کومستان، مداخلات جنگی عراق علیه ایران و بمب گذاریهای وحشیانه نقاط پر جمعیت شهرهای تهران و اهواز و... همه و همه جزء تفعیه ای حیاطی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، ایجاد ایرانی وابسته به امپریالیسم آمریکا و استقرار رژیم حداقل از نوع رژیم پخشیدار و اسادات و شیاع الحق است.

باز هم کارگری فدای...

استفاده، در يك نقطه معین از حرکت آن جلوگیری شود. ما بارها در نامه «مردم» برای جلوگیری از این حادثه ها به مقامات مسئول هشدار داده ایم، ولی تاکنون متأسفانه اقدامی جدی در جهت بهبود وضع موجود و رفع نواقص ایمنی در کار بادنستگاهها به عمل نیامده.

در موقع تولد پسر اون یایا، من از خدمت سربازی معاف شدم! بار سنگینی به دوش دارم و امکان سؤال کردن بیشتر از او وجود ندارد. جوانی است اهل ایلام، پسر

با کارگران باربر...

تعداد کارگران باربر از بعد از انقلاب زیاد شده. مردم بیکارند و از ناچاری به باربری روی می آورند.

باز هم به یک واکنش تکیه وارد. کوله بار مخصوص باربری به دوش و لباس بسیار مندرسی به تن دارد. ۶۰ ساله است. اهل اردبیل است و ۲۵ سال است که باربری میکند. قبل از آن در روستا بوده و زراعت میکرد. زنت ۷۸ سال فوت کرده و بیچه ندارد. وقتی از مرگ زنت صحبت می کند، چشمش پاش به اشک می نشیند. چهره اش پریشان است و سنجیدی چشمش پاش زرد شده. دندانهای ریخته است. واریس دارد و یابویی زا که بعنوان دریاوارس به ساق پاش بسته، به من نشان میدهد. میگوید که بعد از مرگ زنت، هر چه داشته، بخاطر درمان واریس فروخته است. از سرگردانی در بیمارستان ها حکایتها نقل می کند.

در مورد درآمدش میگوید:

«روز سنگین نمی توانم بلند کنم و مجبورم فقط بار سبک بردارم. اژدر بعد هم دیگر نمی توانم کار کنم، چون پاهایم درد میگیرد. این است که درآمد در روز در حدود ۱۰ تومان بیشتر نیست.»

يك اتفاق کوچک گرای کرده ام و ۴۰۰ تومان در ماه می بردارم. صاحبخانه میگوید که گرایه اتقل ۴۰۰ تومان است، ولی بخاطر خدا از تو ۴۰۰ تومان میگیرم.

مرد میانمالی است اهل کاشان. چرخ ندارد. نزدیک به ۲۰ سال است که باربر است. وقتی سنش را می پرسیم، میگوید:

نظائر به اسلام سیر تاز هفتو دال ها

مسائل دهقانی

* روحانی نماها دست در دست بزرگ مالکان عمل میکنند.

* دهقانان حق طلب و عناصر صدیق نهادهای انقلابی را با مارک «کمونیست» مرعوب میکنند

روستاهای ایران تحولی ژرف را انتظار می کشید. انقلاب بزرگ ایران گام بسیار مهمی بسوی هدفهای ضدامپریالیستی، خلقی و دمکراتیک خود برخواهد داشت. اگر موفق شود ریشه بزرگ مالکی را برکنند و حق را به خوددار، یعنی زمین را به دهقانان بی زمین و کم زمین برسانند. و این همه با انجام قانون اصلاحات ارضی بطور همه جانبه و پیگیر و از طریق کاربرد آئین نامه اجرایی قانون، در روح انقلاب بزرگما و حمایت از زحمتکشان روستاها امکان پذیر خواهد بود. میلیونها دهقان ایرانی در انتظار پایان یافتن ستم اربابی هستند. جامعه ما در انتظار پایان یک دوران فئودالی غارت و فساد و زورگویی است، که با نظام بزرگ مالکی همراه بوده است. انقلاب ما در انتظار نابودی یک پایگاه مهم اجتماعی امپریالیسم در درون کشور است.

در این شرایط بسیار حیاتی، که قانون می بایست هر چه زودتر و قاطعتر، بنابر آئین نامه اجرایی مصوبه شورای انقلاب، عملی شود، اربابان و عمال آنها به تکاپوی دیوانه واری افتادند تا جلوی پیشرفت جامعه و حکم انقلاب و خواست دهقانان را بگیرند. آدم کشی، چماق داری، گردن بندگی، آتش زدن محصول، چراندن کشتزارها، تهدید، ارباب، کارشکنی، از انواع حربهای این عناصر غارتگر ضد انقلاب است.

در میان این سیاسی، در این اواخر و مطابق با شرایط روز، بیش از پیش اربابان و عمال آنها به «اسلام پناهی» متوسل میشوند. و حق طلبان و حق گویان را با برچسب لامذهبی و کمونیستی تکفیر میکنند، تا بساط غارت و ستم خود را ادامه دهند. بزرگ مالکان با استفاده از نفوذ دیرینه خود، جسمی از روحانی نمایان را گرد آورده اند و در دهات بنام «اسلام» میخوانند جلوی اجرای قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب اسلامی ایران را بگیرند. آنها نادان حق به حقدار را «مغایر اسلام» جلوه میدهند و میگویند مالکیت در اسلام مقدس است و حد و اندازه هم ندارد و بنابراین، در عمل، اسلام را در نظر مردم بوژه دهقانان چنان معرفی میکنند که با ادامه ظلم و غارت و اختلافات طبقاتی موافق است. در مسئله بسیار حیاتی زمین و سرشود اصلاحات ارضی، بار دیگر دیده میشود که از یک سو گروهی وعاظا املاکین یا وعاظا الشیاطین، همانند وعاظا السالمین سابق، گرد بزرگ مالکان را گرفته اند و مدافع «اسلام آمریکائی» اربابی هستند، در حالیکه بر خلاف این روحانی نماها، مدافعان اسلام راستین و تسبیح علوی، با تکیه بر احکام اسلامی، لزوم دفاع از مستضعفان را در خاطر نشان می سازند و سیمای انسانی و مردمی آرا، که تنها در سرکوب زور و زور تزویر بزرگ مالکان امکان تجلی دارد، نشان میدهند.

هم اکنون، در بسیاری دهات، بزرگ مالک فاسد و ستگر دست در دست روحانی نمایی که علاقه نشی ضد انقلابی دارد و هنگام با بازماندگان رژیم طاغوتی، اعم از ساواکی های سابق یا مسئولانی که دست نخورده باقی مانده اند، عمل میکنند این پدیده بسیار خطرناکی نه تنها برای

پاسخ مسئولین به خواست دهقانان

در شماره ۲۰۸ نامه «مردم» در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۹، از طرف سرپرست اداره کل ارضاد ملی به دفتر سازمان ارضاد ملی، نامه «مردم» ارسال گردیده، که عینا در ذیل نقل می گردد:

روزنامه جمهوری اسلامی (۲۸ خرداد) مصاحبه ای با نماینده جهاد سازندگی گنبد ترتیب داده است. یک سؤال و جواب بسیار گویا و عبرت انگیز و در عین حال نمونه وار را از آن روزنامه نقل می کنیم:

س: رابطه شما با فئودالها و روحانی نماهای مرتجع به چه شکل است و چه اشکالاتی را برای شما ایجاد کرده اند؟
ج: در منطقه گنبد فئودالها نقش عمده ای در درگیریهای آنها داشته اند. رابطه و موضعی که ما با فئودالها داشته ایم، بسیار حساس بوده و مانع تیز حمله مان همواره بسوی آنها بوده است. در اکثر نقاط فئودالها رابطه بسیار نزدیکی با روحانی نماهای مرتجع دارند و آنها بیشتر دوروبر این روحانیون می چرخند. البته ما باین روحانی نماها بخاطر شرایطی که ایجاد میکنند کاری نداریم، ولی قویا با فئودالها در مبارزه هستیم. اینها اصولا مشکل عمل میکنند و دشمن شماره یک جهاد در منطقه شمار می آیند. این افراد با مسئولین دولتی در مراکز تماس دارند و به شایعه های اکتی هایی که انجام میدهند، جهاد را تضعیف می نمایند.

در دهات بسیاری از شهرستانها، عمال ارباب و حتی گردانندگان برخی از دستگاههای دولتی، نظیر ژاندارمری، صراحتا و علنا دهقانان را که زمین میخوانند و اجرای سریع قانون مصوبه را طلب میکنند «کمونیست» می خوانند و در برخی نقاط که شوراها ده بدستی تشخیص داده اند کلید اصلی حل مسائل دهقانان، در طرد نظام بزرگ مالکی است این شوراها در معرض اتهام و برچسب چپی قرار میگیرند و تهدید به انحلال میشوند.

«اسلام» پناهی در واقع بهانه و دستاویزی برای ضد انقلابی ترین و ضد اسلامی ترین روشهای طاغوتی دهات فئودال، خوانین و اربابان شده است. آنها که در آستانه غرق حتمی نظام چپاولگر خویش به هر خس و خاشاکی چنگ میزنند، حالا روحانی نمایانی را یافته اند که آبروی اسلام راستین را می برند و با عمل خود آنرا ضددهقانی و ارتجاعی، ضدقوانین مصوبه و ضد هدفهای انقلاب معرفی میکنند. شاتاز متضخ آنها، که هر حق طلبی و داد خواهی، هر عدالتجویی و ظلم ستیزی را «چپی» و «کمونیستی» میدانند، در واقع میخ خود آنها را باز میکنند و نشان میدهند که چگونه، در عمل، چپ واقعی و اسلامی راستین، در عمده ترین مسائل کنونی جامعه، وجه مشترک و دشمن مشترک دارند.

اگر دهقانان متحد و پیگیر باشند و عناصر مترقی و متعهد با قاطعیت عمل کنند، بدون تردید تسوسل دروغین اربابان به اسلام جعلی و بدست روحانی نمایان نخواهد توانست انقلاب را در این سحنه حیاتی نبرد به شکست بکشاند. ناقوس مرگ بزرگ مالکی را مبارزه دیرینه زحمتکشان روستاها و انقلاب بزرگ ما بسندار آورده است. تثبیت تازه فئودالها ثمری نخواهد داشت. به برکت بیداری و هشیاری، مبارزه و پیگیری زمین به دهقانان و حق به خوددار خواهد رسید.

روستای مزارعی جزء طرح سال ۵۹ میباشد و نسبت به اولویتها جهت برقرار نمودن روستای فوق اقدام میگردد. نامه «مردم» - ضمن تشکر از پاسخ مسئولین، حل آتی مسئله برق در این روستا را به دهقانان شادباش میگوئیم.

آشنائی با دامداران جنوب



خبر و عکس از دامداران الکثیره

این تصویر تعدادی از دامداران قریه الکثیره را نشان می دهد، که از این قریه (واقع در نزدیکی خط مرزی ایران و عراق از توابع دشت آزادگان) برای آوردن گنم و خرید خواروبار به بستان می روند، این روستاییان باید ۹۰ کیلومتر راه را ۱۶ تا ۱۸ ساعت پیاده طی کنند. در این روستا فقط ۵ یا ۶ خانوار زندگی میکنند، که همگی دامدارند. نیاز این دهقانان به علوفه برای دامها و آب آشامیدنی بهداشتی است، که برای وصول به آنها تا کنون بارها به مقامات مسئول دولتی مراجعه کرده اند. در این روستا رفاه عمومی وجود ندارد.



خبر و عکس از دامداران بستان

اینجا محل زندگی تعدادی از دامداران بستان (از توابع دشت آزادگان) است. این روستائیان در زمستانها برای چرای دامهای خود به محل دیگری کوچ می کنند. کمبود و یا گرانی چسرا گاهها و همچنین فقدان چادر برای زندگی مشکلات عمده این روستائیان را تشکیل میدهد. این روستائیان تا کنون برای دریافت مواد غذایی و قندو شکر و جای به شهرداری بستان مراجعه کرده اند، ولی متاسفانه با بی توجهی مسئولین روبرو شده اند. اخیرا شهرداری (در اثر مراجعات مکرر روستائیان) آنها را به بنیاد مستضعفان برای دریافت مواد غذایی معرفی کرده است، ولی تا کنون آنان موفق به اخذ کمک نشده اند. فقر شدید گریبانگیر این روستائیان است. کپرهای حصیری حافظ خوبی برای زندگی مختار این روستائیان نیست باید کوشید تا شرایط زندگی مناسب روستا با منزلت انسانی این زحمتکشان را هر چه زودتر فراهم کرد.

زمینه عینی رشد ضد انقلاب در روستاها را از بین ببرید

قریه حصار خروان در ۱۵ کیلومتری شهرستان قزوین واقع است. در این قریه ۲۰۰۰ نفر زندگی میکنند. مالک صاحب نفوذ در این ده، که دارای ثروت و تمکک فراوان و از عمال رژیم سابق است، بعد از انقلاب دستگیر زندانی میشود. اما بعلت نفوذی که این فرد در دستگاههای اداری دارد، بعد از مدتی از زندان آزاد میشود و پس از آن یک دسته از اشرار را مسلح می سازد و برای اجرای قسمتهای شوم و ضد انسانی خود، یک درگیری در قریه بوجود می آورد. در این درگیری یک نفر از طرف روستائیان و یک نفر از افراد باند اوباشان کشته میشود. (روستائی مقتول مزاحمتهای افراد مسلح جلوگیری میشود، چالب توجه اینکه رهبر این باند از حمایت یکی از روحانی نماها نیز برخوردار است و این مشروع روستائیان را بدست عصبانی کرده است. بعد از بررسی شکایات روستائیان رئیس دادگاه انقلاب قزوین، قاتل روستائی را به اعدام محکوم میکند، ولی فردی آرزوی رئیس دادگاه انقلاب از کار برکنار میشود و حفظ کیده.

حکم هم اجرا نمیشود. به گفته روستائیان افراد باند اغلب از جوانان سابق پالیزبان هستند. این افراد همچنان در زیر حمایت بعضی از مقامات محلی با اعمال شکنجه خود ادامه میدهند. روستائیان از حملات و یورشهای مسلحانه افراد شرور و چاقو تاراج پشید ناراضی و خواهان خلع ید آنها هستند. باید هر چه قاطع تر و سریع تر فعالیتهاى مغرب این باند اشرار را بیابان رسانید. افرادی که مسلحانه و یا غیر مسلحانه به هر بهانه مزاحمتهاى روستائیان را از دست میدهند، باید مجازات شوند و تحت تعقیب قانونی قرار گیرند. باید با محور زمینه های عینی رشد ضد انقلاب در روستاها، که در وجود و حضور بزرگ مالکی نهفته است، این باند از حمایت یکی از روحانی نماها نیز برخوردار است و این مشروع روستائیان را بدست عصبانی کرده است. بعد از بررسی شکایات روستائیان رئیس دادگاه انقلاب قزوین، قاتل روستائی را به اعدام محکوم میکند، ولی فردی آرزوی رئیس دادگاه انقلاب از کار برکنار میشود و حفظ کیده.

دهقانان کم زمین و بی زمین! به مسئولان دولتی کمک کنید، تا قانون اصلاحات ارضی سر یعاً و بسود شما اجرا شود

رژیم ضیاءالحق، رژیمی است ارتجاعی، دیکتاتوری و دست‌نشانده آمریکا

جام ساسی را آزاد کنید

از کودتای ضیاءالحق در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، تاکنون موجدی وسیع از استبداد و سرکوب سراسر پاکستان را فراگرفته است. یکی از هدفهای عمده رژیم ترور و اختناق پاکستان، هوای حزب کمونیست پاکستان بوده است، که از سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳) تاکنون در شرایط مخفی می‌رزد. پس از کودتای خانان ضیاءالحق، بسیاری از رهبران و اعضای حزب نابود شدند. یگوانی چندین زندانی، جام ساسی، عضو هیئت‌تعمیر کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان، که دو سال است در بند دژخیمان ضیاءالحق شکنجه وحشیانه می‌شود، اینک در خطر مرگ بر می‌آید. چندی پیش حزب کمونیست پاکستان، فدراسیون سراسری دانشجویان پاکستان، و اتحادیه کارگران پاکستان، نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان را فراخواندند تا آزادی فوری و بلاشرط جام ساسی را خواستار شوند. ما نیز همصدا با نیروهای ملی، دمکراتیک و ترقیخواه پاکستان، آزادی فوری و بلاشرط جام ساسی، را می‌طلبیم.

در هفته‌ها و روزهای اخیر، ایران انقلابی، بعثت سیاست غیرواقع‌بینانه، نادرست و زنیانی وزارت خارجه ایران متأسفانه در موارد گوناگون در کنار رژیم سرسرمه، ارتجاعی و خودکامه ضیاءالحق قرار گرفته است. برای اینکه ماهیت واقعی رژیم ضیاءالحق روشن شود، ما در این مختصر، نگاهی به سیاست داخلی و خارجی این رژیم می‌افکنیم.

ضیاءالحق در ژوئیه ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، از طریق کودتایی نظامی علیه ذوالفقار علی‌بوٹو، زمام امور را بدست گرفت. علی‌بوٹو در زمان نخست‌وزیری خود به برخی اصلاحات نیم‌بند دست‌زده بود. او، از جمله، در اوایل سالهای ۷۰ (ده سال پیش) پارامی اصلاحات ارضی محدود را آغاز کرد (این اصلاحات تا سال ۱۹۷۵ (۱۳۵۴) به تقسیم تنها ۳ درصد از اراضی کشاورزی منجر شده بود). رژیم علی‌بوٹو همچنین به ملی کردن بانکها، بنگاههای بیمه و کشتی‌رانی پرداخت و بخشی از صنعت و بازرگانی را دولتی کرد یا زیر نظارت دولت قرار داد. انگیزه اقدامات نامبرده تسریع رشد مناسبات سرمایه‌داری در پاکستان بود. حزب خلق پاکستان، برهبری بوٹو، و زیر پرچم ادامه برنامه بازسازی ملی، در انتخابات مارس ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، حزب اتحاد ملی پاکستان، را که از طیف‌سوسیالیستی از نیروهای مخالف تشکیل می‌شد، شکست داد.

اتحاد ملی پاکستان، باین بهانه که در انتخابات تقلب شده است، تا زمام امور را بدست گرفت. نظامیان را فراخواند، تا زمام امور را بدست گیرند. نظامیان نیز از این دعوت استقبال کردند تا یک کودتا رژیم بوٹو را براننداختند. برنامه سیاسی اتحاد ملی پاکستان، بازتصاب ساختار نامتجانس این حزب، یعنی ائتلافی فرصت‌طلبانه از گروه‌های فئودال و بورژوازی‌لیبرال با هدفهایی پس‌پشتان بود. هر چند دعوت کنندگان رژیم نظامی، ظاهراً رهبران حزب اتحاد ملی بودند، ولی تنها بخشی از حزب اتحاد ملی، برهبری دبیرکل خود، مفتی مصعب، و آسم فقط تا آوریل ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) در دولت نظامی شرکت داشت.

در رژیم نظامیان پاکستان، در پاییز ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) سندیکاکها و احزاب مخالف منوع شدند، حق انتصاب، اجتماع و برگزاری کنفرانس مطبوعاتی ملغی و روزنامه‌های انتقادی (از جمله ارگان‌های حزب خلق پاکستان، «صداقت» و «سماوات») تعطیل گردیدند، هزاران تن از اعضای حزب خلق پاکستان دستگیر شدند. ضیاءالحق، که نخست ریاست‌رانه، و بعد برگزاری انتخابات آزاد را میداد، تا بجا دو بار آنرا بشقوق انداخته است. رژیم ضیاءالحق تظاهرات عظیم مردم پاکستان را در اعتراض علیه لیدام بوٹو بخون کشید، صدها روزنامه‌نگار را بزندان افکند و دستور بازداشت بسیاری از سران برجسته مخالفان و همسر و دختر بوٹو را صادر کرد.

ضیاءالحق همواره کوشیده است تا با سوءاستفاده از نام اسلام، سرکوب‌گرهای سست‌بانه و سیاست‌های واپس‌گرایانه خود را بیوشاند. ولی اسلام ضیاءالحق همان اسلام آمریکائی است. او حتی برای تکمیل «فن» شلاق‌زنی، قلع‌انضای بدن، سنگسار و اعدام‌های عوامی از عربستان سعودی - یکی دیگر از مراکز اسلام آمریکائی - مشاوره وارد کرده است.

ایادی رژیم ضیاءالحق، چه‌بسا که کودکان ۱۲-۱۳ ساله را به‌تخت می‌بندد و تا حد کشت آنرا با اصطلاح «تبییه» می‌کند. اسلام آمریکائی ضیاءالحق بسیاری از مردم پاکستان را از حقوق و آزادیهای مدنی محروم ساخته است. غیرمسلمانان نه تنها حق ندارند بعنوان گواه در دادگاهها حضور یابند، بلکه از هر گونه حقوق انتخاباتی نیز بی‌بهره‌اند. منظور رژیم تبه‌کار ضیاءالحق از این با اصطلاح فرم قوانین جزایی، درواقع سرکوب مخالفان سیاسی، زیر نقاب اسلام است.

وضع اجتماعی - اقتصادی پاکستان چنان فلاکت‌بار است، که ناظران غربی نیز در اینباره متفقا قولند. نرخ رشد اقتصادی پاکستان در سال گذشته تنها ۲.۵ درصد، یعنی حتی نیم‌درصد

کمتر از آنکه رشد سکنه آن کشور بود. بگزارش وزارت اقتصاد پاکستان، نرخ تورم آن کشور در سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، ۸۲ درصد بوده است. اما کارشناسان اقتصادی معتقدند که این رقم اکنون از ۳۰-۲۰ درصد متجاوز است. ذخیره ارزی پاکستان، که در سال ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، ۴۰۰ میلیون دلار بود، در سپتامبر ۱۹۷۹ به ۱۲۰ میلیون دلار کاهش یافت. کسر موازنه پرداختی سالانه پاکستان از سرکونی دولت بوٹو تاکنون، بیش از دو برابر شده و به ۱.۶ میلیارد دلار رسیده است. بدهی پاکستان به خارج اینک با مقدار ۸ میلیارد دلار رکورد جدیدی بجای گذاشته است. تنها بهره سالانه‌ای که بابت این بدهی پرداخت می‌شود، ۵۰۰ میلیون دلار، یعنی ۲۰ درصد درآمدی است که از بابت صادرات غایب پاکستان می‌گردد. با توجه باین وضعیت سرکوب اقتصادی پاکستان، شکست‌انگیز نیست که اعلام اسحق خان، وزیر دارایی آن کشور، در پاییز سال پیش دور جهان یگدایی افتاد. هر چند نتیجه مذاکرات او افشا نشد، ولی چنین می‌نماید که در آن هنگام هم مستندوق بین‌المللی پول و هم کشورهای ماند ایالات متحده آمریکا، جمهوری فدرال آلمان، فرانسه بریتانیا و... شرایط دولت ضیاءالحق را در زمینه تعدید دیون و اوضاعی وام‌های جدید رد کردند.

ضیاءالحق، پس از کودتای ژوئیه ۱۹۷۷ (۱۳۵۶)، بیشتر صنایع ملی شده را به صاحبان خصوصی آن بازگرداند، نظارت دولت را بر بیش از ۱۰ رشته صنعتی ملغی ساخت و شرایط سرمایه‌گذاری خارجی را تسهیل بخشید. اکنون متجاوز از یک سوم نیروی کار پاکستان بیکار است. هر ساله ۱۰۰ هزار پاکستانی، بقصد جستجوی کار در خارج، بویژه در کشورهای نفت‌خیز غربی کشور را ترک میکنند. اینک بیش از یک میلیون پاکستانی در کشورهای دیگر، بخصوص عربستان سعودی، به زندگی و کار مشغولند. بدینسان، علیرغم وخت شرایط اقتصادی - اجتماعی پاکستان، هنوز نمیتوان از پیدایش جنبش توده‌ای اعتراضی وسیعی علیه رژیم سخن گفت. علت عمده را باید در اختلاف بین گروه‌های گوناگون مخالفان و ضعف تشکیلاتی آنها بر اثر شرایط دشوار فعالیت مخفی جستجو کرد. درست است که حزب خلق پاکستان، هنوز از نظر سازمانی به بقای خود ادامه میدهد، اما مستگیری مطلق حزب حول‌شخصیت بوٹو، مبارزه برای کسب قدرت در رهبری آن و اخراج عناصر چپ حتی در زمان حکومت بوٹو، نه تنها حزب خلق پاکستان را بسی تضعیف کرد، بلکه مانع از

آن شد که حزب یک‌برنامه جامع ضد استبدادی ارائه دهد. در پاییز ۱۹۷۹ (۱۳۵۸)، هنگامیکه ضیاءالحق برگزاری انتخابات را وعده داده، حزب خلق پاکستان، از ائتلاف با سازمانهای چپ‌اشباع وزید.

در این میان، حزب دمکراتیک ملی، نیز که سازمانی منطقه‌گراست، و بویژه در بلوچستان پاکستان و پشتونستان نفوذ دارد، و در ائتلاف علیه بوٹو هم شرکت کرده بود، نیز از اتحاد ملی پاکستان، اخراج شده است. جناح چپ این حزب نیز در سال گذشته انتصاب کرد و برهبری یکی از فرمانداران سابق بلوچستان پاکستان، حزب ملی پاکستان، را بنیان گذاشت. مذاکرات منطقه‌گرایان برای همکاری انتخاباتی با حزب خلق پاکستان، بعثت خواست خودبخاری گروه نخست نافرجام ماند. جنبش آزادی خلق بلوچ، نیز حاضر نشده است، که بخاطر ائتلاف انتخاباتی از مبارزه مسلحانه دست بردارد.

درواقع باید گفت که «ائتلاف ملی پاکستان» از هم فروپاشیده است. علاوه بر حزب دمکراتیک ملی، «تحریک استقلال» (جنبش استقلال)، که اصغر خان، ژنرال سابق نیروی هوایی، رهبر آنست و گروهی بورژوازی‌لیبرال است، و جمعیت العلماء، که دسته‌ای مذهبی است، نیز «ائتلاف ملی پاکستان» را ترک گفته‌اند. اینک نیروی عمده «ائتلاف ملی پاکستان» جمعیت اسلامی است. تشکیل میدهد که گروهی مذهبی، متعصب و راستگراست و از عربستان سعودی پول میگیرد. شایع است که ضیاءالحق نیز عضو این حزب است.

جمعیت اسلامی، در کشتارهای بنگال شرقی، شرکت فعال داشت و معتقد است که اسلام را نمیتوان بدون کمک پلیس تحقق بخشید. با اینهمه، شرکت دانشجویان عضو جمعیت اسلامی، در حمله به سفارت آمریکا در اسلام‌آباد و کسولگریها و دفاتر ایالات متحده آمریکا در دیگر نقاط پاکستان، در اعتراض علیه رویارهای مکه نشان داد، که در درون جمعیت اسلامی، نیز جریانات گوناگونی، از جمله گرایش‌های ضد امپریالیستی، پدید می‌آید. عدم‌مقابله قاطعانه با تظاهرات کنندگان، رویداد مکه از سوی رژیم ضیاءالحق، عین جنبش و احساسات ضد امپریالیسم آمریکا را در میان مردم پاکستان بیثبات می‌رساند.

چنین می‌نماید که عیناً خطر فوری و جدی رژیم ضیاءالحق را تهدید نمی‌کند. اما، همچنانکه جنبش‌های توده‌ای پاکستان در اوایل سالهای ۶۰ و اوایل سالهای ۷۰ علیه ایوب‌خان و یحیی‌خان نشان داد و دربرود اخیر، به روی کار آمدن بوٹو انجامید، وضع کنونی می‌تواند یکباره دگرگون شود. برای درک بهتر سیاست کنونی پاکستان در برابر جمهوری دمکراتیک افغانستان (با در این باره در مقاله‌ای جداگانه بتفصیل سخن خواهیم گفت - نامه «مردم»)، باید بدو جنبه عمده سیاست خارجی پاکستان، یعنی ستیزه دیرینه آن با هندوستان و وابستگی سنتی پاکستان به سیستم پیمان‌های امپریالیستی تریچه خاص می‌دولت، داشت.

پاکستان از زمان تاسیس خود تاکنون، سه‌بار با هندوستان در جنگ بوده است: ۱۹۴۸/۱۹۴۷ تا ۱۹۶۵ بر سر کشمیر و ۱۹۷۱ بر سر بنگلادش.

از نخستین جنگ پاکستان و هندوستان تاکنون، پاکستان بخشی از کشمیر را اشغال کرده و نسبت به بخشی دیگر از آن دعوی ارضی دارد. با آنکه در «بیانیه تاشکند» (۱۹۶۶-۱۳۴۵) و در قرارداد سیلوا (۱۹۷۲-۱۳۵۱) طرفین متعهد شدند که برای حل مسئله کشمیر از هرگونه اعمال‌زور خودداری ورزند و در راه همکاری صلح‌آمیز کوشا باشند، پاکستان اینک بیش از سه‌چهارم نیروهای مسلح خود را دربروزهای هندوستان مستقر کرده است. دولت پاکستان تا بحال کوشیده است، تا ضعف ارتش سنتی خود را با ساختن بصب هسته‌ای جبران بخشد.

پاکستان از اوایل سالهای ۵۰ در کمربند امنیتی ضد کشورهای سوسیالیستی، بویژه اتحاد شوروی، شرکت فعال داشته است. پاکستان از سال ۱۹۵۴ (۱۳۳۳)، عضو پیمان صبیثیه و از سال ۱۹۵۵ (۱۳۳۴) عضو «پیمان بغداد» بود، که از سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸)، پیمان «ستوه» نام گرفت. اینست کشور از سال ۱۹۵۹ (۱۳۳۸)، با ایالات متحده آمریکا قرارداد درجه‌بندی نظامی دارد. تا سال ۱۹۶۵ (۱۳۴۴)، که پنتاگون کمک نظامی خود را در جریان جنگ زرگری با پاکستان برسر مشجره پاکستان با هندوستان، قطع کرد، این کشور ۵ میلیارد دلار کمک نظامی و اقتصادی از آمریکا دریافت داشته بود. تا آنهنگام، آمریکا چندین پایگاه نظامی در پاکستان احداث کرده بود.

پاکستان در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱)، در زمان حکومت بوٹو، از پیمان صبیثیه کناره گرفت، اما عضویت آن در «ستوه»، تا خروج ایران از این پیمان امپریالیستی، و در نتیجه فروپاشی آن، تا سال ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) ادامه داشت. پاکستان، پس از آن، درخواست عضویت در جنبش غیر متعهد را کرد و در کنفرانس هاوانا در سپتامبر ۱۹۷۹ (۱۳۵۸) رسماً بمنسویت آن درآمد. آمریکا از سال ۱۹۶۶ برخیز ووظائف خود را در قبال پاکستان به مائوئیست‌های چین سپرد، یادآور می‌شویم که چین سالهاست که بخشی از سرزمین هندوستان را با اشغال خود در آورده است و نسبت به بخشی دیگر، دعوی ارضی دارد. کمکهای تسلیحاتی چین به پاکستان تاکنون حداقل مبلغ ۲ میلیارد دلار بوده است. پاکستان علاوه بر کمک‌هایی که از شاه مخلوع می‌گرفت، از کشورهای چون عربستان سعودی و مصر نیز کمک دریافت می‌دارد.

پس از انقلاب شکوهمند ایران و مداخلات امپریالیستی‌های آمریکا در افغانستان، پنتاگون به تحکیم هم‌جانبه سنگرهای خود در پاکستان شتافته است. در ژانویه امسال، جیمی کارتر با رهبران برجسته کنگره به توافق رسید، که قانون قطع واکذاری اسلحه به پاکستان لغو گردد. (ایالات متحده آمریکا، میخواست با این قانون، پاکستان را از تکمیل برنامه اتمی خود بازدارد) آمریکا پس از انقلاب ایران و از دست دادن ایستگاه‌های مراقبت نظامی خود در بلوچستان ایران، ماهیاست که در نزدیکی تنگه هرمز به ایجاد ایستگاههای جدید مشغول است. ضیاءالحق ازجیمی کارتر درخواست کمکی به مبلغ ۲ میلیارد دلار کرده، که تاکنون حدود ۴۰۰ میلیون آن مورد رضایت ارباب قرار گرفته است.

بقیه در صفحه ۱۱

اصل ۴۴ قانون اساسی...

بقیه از صفحه ۱
گرفت به اصطلاح سه‌بندی، هدف آن سخن و کشور دج‌رومی شد که امروز ناظر آئین. قانون جدید هم نومی ادامه‌دهنده سه‌بندی به شیوه گذشته، تنها دو پوششی ظاهر فریب‌ناز است. اگر چه این قانون وعده کنترل قیمت‌ها را میدهد، ولی هیچ کمیته‌ای برای آن وجود ندارد.
در اینکه اصل ملی شدن بازرگانی خارجی زانمی‌توان بیدرنگ پیاده کرد، کاملاً می‌توان تردید داشت، زیرا:
۱) حتی در دوران رژیم سابق هم بیش از ۵۰ درصد واردات گمرکی در دست دولت بود. بنابراین دولت تجربه کافی در این امر دارد. تنها باید در نظام جمهوری اسلامی ایران شرایط فراهم آید که دستگاه دولتی‌زبان و فساد زمان طایفه تکرار نشود.
۲) با ملی شدن صنایع بزرگ، اکنون تقریباً تمام صنایع عمده کشور در دست دولت متمرکز شده است. وارد کردن حواص این صنایع حتماً باید بدست خود دولت انجام گیرد.
۳) دولت برای انجام واردات، که مستلزم تشکیل وزارت بازرگانی خارجی است، کار خود را نمیتواند از سایر وزارتخانه‌ها - که بازایادی کارمند هم‌رود و مستندترینند - تا زمانیکه مکانیزم سابق، ولو اندکی دستکاری شده، باقی است، تغییر محسوس در وضع بازار عمل نواهد آمد. با اینکه تیسره یک از ۱۱۵۵۸۸ فشاردهندگان را ملزم می‌سازد که حداقل ۳۰ درصد از کارلاردار قابل ۲۰ روزی از ترخیص از گمرک، یا قیمت تعیین شده از طرف مرکز (قیمت تعیین شده با اضافه ۵۰ درصد سود تعیین شده خواهد بود) در اختیار مرکز مربوط قرار دهند، که اساساً توسط شرکتهای تعاونی مصرف توزیع گردد، و هدف از این تیسره، چنانکه در متن لایحه آمده، جلوگیری از احتکار است، ولی آیا واقعاً قانونگذار معتقد است که با قراردادن ۷۰ درصد کارلاردار اختیار سفارش‌دهندگان می‌توان احتکار جلوگیری کرد؟
ماده ۱۰ قانون، در صورت تغییر نمیتواند، به‌خوبی از هر نوع احتکار جلوگیری کند. در این ماده گفته می‌شود:
«هر وزارت می‌تواند با تأیید قبلی وزارت بازرگانی خود مستقل اقدام به خرید و توزیع کالا نماید...»
په علت از هم‌اکنون مراکز وارداتی دولتی حق خرید و توزیع مستقل بمقیاس گسترده ندارند؛ چرا این امر حیااتی که باید هدف نهایی قانون ملی شدن بازرگانی خارجی باشد، بلافاصله به‌وقوع اجرا گذارد نمی‌شود.
ماده ۱۰ در شکل فعلی آن، نقی ترمز را ایفا خواهد کرد، که بمنای روح قانون اساسی است. این ماده، الویت راه سرمایه‌داران خصوصی می‌دهد، به بیان دیگر، وزارت بازرگانی فقط دوسرین، به مراکز دولتی اجازه خرید و توزیع را خواهد داد که بازرگان واردکننده به دلیلی (بهرعلت) انزوا کردن این‌ویا آن‌کالا خود داری کند.
ماده ۶ به سازمانها و شرکتهای موسسات دولتی حق وارد کردن مستقیم کالا را میدهد. اینست بدان معنی است که علاوه بر مراکز نامبرده، همسایه‌سود و ملی نیز، مراکز از این نوع بوجود خواهند آورد. در این مورد، اولاً تجربه تلخ گذشته در نظر گرفته نشده و ثانیاً نقی مراکز جدید تا سطح کارکنان بخش خصوصی تنزل داده شده است.
چنانکه گفتیم، قانون جدید به‌یچوجه در راه تحقق واقعی ملی شدن بازرگانی خارجی نیست. بنابراین، با تجدید نظر جدی، مراد و تیسره‌های آن، می‌توان آن‌را در جهت مصالح ملی و بسود ملیونها مصرف‌کننده سوق داد و بازرگانی خارجی را از چنگال آزمندمشتی بازرگان عمده، دلال‌روا سفته‌باز

درباره پاکستان

سرزمین و سکنه: مساحت پاکستان ۸۰۴۰۰۰ کیلومتر و جمعیت آن در حدود ۷۵ میلیون نفر است، که ۲۲ درصد آنرا در شهرها زندگی میکنند. پاکستان از چهار ایالت پنجاب، سند، بلوچستان و ایالت رزی شمال غربی، تشکیل می‌شود. در حدود نیمی از مساحت پاکستان صحرا و کویر است. چهل درصد سرزمین را مزارع و مراتع فرا می‌گیرد. پاکستان از نظر منابع طبیعی فقیر است و تنها ۲۰ درصد مصرف نفت در داخل تامین می‌شود. دیگر منابع کشور عبارتست از: گازه، نغال سنگ، بوکسیت، نمک، آهن و کرم.
مذهب: ۹۰ درصد مردم پاکستان مسلمان‌اند. از این‌عده ۸۰ درصد سنی و ۲۰ درصد شیعه هستند.
زبان: در پاکستان به ۲۴ زبان تکلم می‌شود. زبانهای رسمی پاکستان اردو و انگلیسی است.
اقتصاد: ۳۴ درصد فرآورده اجتماعی بویژه در کشاورزی، ۱۵ درصد در صنعت، ۸ درصد در ساختن و ۴۵ درصد در بازرگانی، ترابری و بخش خدمات تولید می‌شود.
۵۸ درصد مردم پاکستان در کشاورزی اشتغال دارند. بهترین فرآورده‌های کشاورزی پاکستان نیشکر، گندم، برنج، پنبه است. این کشور سالانه ۱.۲ میلیون تن فله وارد میکند. مهم‌ترین شاخه‌های تولید صنعتی، خودروبار و نساجی است. صرف‌نظر از کارگاهها و کارخانه‌های کوچک، که ۸۰ درصد نیروی کار در آنها اشتغال دارد، صنایع بزرگ پاکستان بسیار متمرکز است و بیست و دو خانواده بر آنها حکم‌فرمایی میکنند. بازرگانی خارجی بدست شرکت‌های مختلط است.
عمده‌ترین کشورهایی که پاکستان با آنها بازرگانی خارجی دارد، عبارتند از: ایالات متحده آمریکا، عربستان

بقیه در صفحه ۱۱



... و این کارگران، گورکن رژیم پهلوی بودند

بیست و هفتمین سالگرد رزم اعتصابی حق طلبانه کارگران کوره پزخانه‌های تهران گرامی باد!

فردا - ششم تیرماه - مصادف است با بیست و هفتمین سالگرد پیکار حق طلبانه کارگران کوره پزخانه‌های تهران. بیست و هفت سال پیش، در چنین روزی، جنوب دودزده و غمگین تهران در ستیز آینده سازیش از بیست هزار بازوی رنج و کار، از خواب فقیرانه‌اش بیاخاست و زمزمه تور و آفتاب را به با بلند کوره‌ها پرچم کرد.

کارگران کوره پزخانه‌های تهران در ششم تیرماه سال ۱۳۳۲ دست از کار کشیدند و در اعتراض به شرایط نیکتبار کار و زندگی فریاد برآوردند.

روزنامه «شهباز» ارگان جمعیت ملی مبارزه با استعمار در بیان وضع دردناک و مصیبت بار کارگران کوره پزخانه‌ها، در شماره ۵۳۶، مورخ هفتم تیرماه ۳۲، یک روز پس از اعتصاب، چنین نوشت: «... در محیط کوره پزخانه‌ها، در هوای گرم و سوزان اراضی خشک و بی حاصلی که بلافاصله از محلات جنوبی تهران آغاز می‌شود، در میان دودخنده کننده و در کنار آتش سوزان کوره‌ها چندهزار انسان رنج می‌برد، انسان‌هایی که فقر، گرسنگی و محرومیت در شرایطشان پنجه دوخته و به اسکلت‌های متحرکی بدلشان کرده و دایره گردو با دادن بیط...

ورزش مسابقات انتخابی کشتی نوجوانان تهران آغاز شد

مسابقات کشتی نوجوانان برای انتخاب تیم تهران جهت شرکت در مسابقات قهرمانی ایران از ساعت ۳ بعد از ظهر دیروز آغاز شد. این مسابقات در ۷ وزن ۳۸، ۴۰، ۴۲، ۴۵، ۵۳، ۶۳ و ۷۸ کیلوگرم برگزار می‌شود. در این مسابقات ۲۹۹ نفر شرکت کرده‌اند. ۶ وزن دیگر مسابقات از روز جمعه ششم تیرماه شروع خواهد شد.

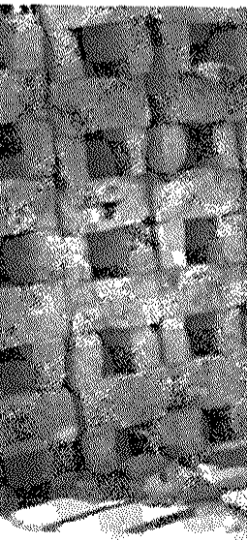
مسابقات قهرمانی نوجوانان ایران از دهم تا هفدهم تیرماه در ورزشگاه بدیع زادگان تهران انجام خواهد شد.

خوانندگان گرامی میتوانند در خارج از کشور به آدرس های زیر با «نامه مردم» مکاتبه کنند

پلزیك
51, Av. de Broqueville
1200 Bruxelles
فرانس، Rigal Albert
BP 75156
75001 Paris
France

۱- از ارج و اعتبار تپ سازند، اما بیوده، که کارگران در آستان مشت‌ساختنند خود آفتاب آینه را این میدانند.

۲- اجرای لایحه قانونی بیمه های اجتماعی کارگران در کوره پزخانه‌ها،
۳- پرداخت حقوق ایام اعتصاب،
۴- برگشت کارگران اعتصابی پس از کار اولیه خود، (نقل از مشباز شماره ۵۳۹، چهارشنبه دهم تیرماه ۳۲)



روای سعادت در پرتو حاصل کار پدر...

نامه «مردم» روز شنبه بمناسبت تصادف بانیمه شعبان منتشر نمیشود

به مناسبت پنجم تیر - روز همبستگی با خلق زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی

درود پر شور به خلق قهرمان آفریقای جنوبی



هنوز یکسال از روی کار آمدن «پرتوی» باصطلاح منتقد نگارنده، ولی دیگر در رسانه‌های گروهی کشور-های آمریکاییستی از «نالد» های جدید از پرتویا (فرانکفورتر روند شاتو» - ۱۲ شهریور ۱۳۵۸) سخنی پیمان نمی‌آید. برعکس، آزمایش نخستین بهنامی یا نورتون از سوی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی در تاریخ ۳۱ شهریور ۱۳۵۸، اعلام جیمز مانگی در ۲۴ آبان ۱۳۵۸ و ۹- ویژه کشتار و سرخساز کارگران آفریقای جنوبی در روزهای اخیر، بار دیگر سرشت چایناکار رژیم دلفشان آن کشور را بنیوت رسانیده است.

از ۱۰ تیر ۱۳۵۸ تاکنون، ۲۱۲۸۳ تن از مردم آفریقای جنوبی دستگیر و ۱۳۳۶۶ نفر آنها محکوم شده‌اند. از رویدادهای «سووتو» تابحال، دادگاه‌های آفریقای جنوبی در حدود ۹۰۰۰ غوچوان کمتر از ۱۸ سال را به جرم «غریبکاری» یا «خشونت عمومی» محکوم کرده‌اند. در سال ۱۳۵۷، ۲۵۲ نوجوان به حبس محکوم شدند. اینک، حسب اقل ۵۵۰ زندانی سیاسی در زندان‌های آفریقای جنوبی بسر می‌برند. بیش از پنجاه تن از آنان، سیرت پرستان نامی هستند. از جمله زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی، از ۲۱ رهبر جنبش آزادی بخش ملی باید یاد کرد، که به حبس ابد محکوم شده‌اند. سه تن از آنان ن. مالدالا، و. سیولو و گ. سبکی، رهبران در دادگاه تاریخی ریویویا به «خیانت» محکوم شدند. محکومیت ۱۰۳ نفر از زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی بانزده سال به ایالات. مردان زندانی غیر سفید پوست در اردوگاه «راپن» آیلند، در شمال باختری «کیپ تاون»، در اسارت بسر می‌برند. در آیین دادگاه آکتون ۴۸۹ زندانی سیاسی در زند هستند، که ۹ تن از آنان نشان کمتر از ۱۸ سال است. زنان زندانی غیر سفید پوست در زندان کروستاد و زندانیان سفید پوست در بخش ویژه‌ای از زندان مرکزی پرتویا محبوسند. زندانیان سیاسی در آفریقای جنوبی جزو زندانیان «گروه چهار» محسوب میشوند. برای اینگونه زندانیان تقریباً هرگونه تماس با خارج از زندان ممنوع است و علاوه بر این، طبق معیارهای نژادی از یکدیگر جدا میگردند. رهبران «کنگره ملی آفریقا» به پیروی حق مرادوت با دیگر زندانیان را ندارند. با اینهمه، زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی توانسته‌اند، برخی شبکه‌های ارتباطی پدید آورند. برای نمونه، ۲۴۰ تن از زندانیان «راپن آیلند» از فصل سووتو هستند، که بسبب زندانیان دیگر و در شرایط بسیار دشوار برنامه درسی خود را از زندانبان ادامه میدهند و خویش را برای امتحانات آماده می‌سازند. در سال ۱۳۵۷، ۲۱۱ نفر، در این گونه کلاسها درس میخواندند و ۶۲ تن، از آنها در امتحانات شرکت کردند. با افزایش مقاومت مردم آفریقای جنوبی علیه رژیم چنایپیشه آن کشور، این رژیم تنها تعداد آزادیخواهان مردم را هرچه بیشتر با «کول» پاسخ میدهند، بلکه به تضییقات خود علیه زندانیان سیاسی نیز تشدید می‌بخشد. از سال ۱۳۴۶ تاکنون، حداقل ۵۰ زندانی سیاسی در زندانهای آفریقای جنوبی زیر شکنجه جان سپرده‌اند. ما، بمناسبت روز همبستگی بین‌المللی با خلق و زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی، باردیگر زندانگان آفریقای جنوبی علیه نژادپرستان پرتویا ابراز می‌داریم و از رژیم فاشیستی آن کشور آزادی فوری و بلاشرط همه زندانیان سیاسی آفریقای جنوبی را خواستاریم.

بزرگ مالکان فارتگر، مسبب بدبختی دهقانان و عقب ماندگی دهات و پایگاه امپریالیسم جهاننوار هستند. انقلاب ایران باید هرچه سریعتر و قاطعتر بساط بزرگ مالکی را برچیند

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود